



Survival Strategies Among Youth in Disadvantaged Neighborhoods of Kermanshah

Sedigheh Piri¹ | Sattar Parvin² | Mohammad Rasoul Mohammadi³

1y Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

E-mail: sedighe.piri@atu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Social Worker, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

E-mail: sparvin1359@gmail.com

3. Corresponding Author, Master's student in youth studies, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

E-mail: mohammadrasoulmohammadi64@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-11-17

Received in revised form:

2024-12-14

Accepted: 2025-01-08

Published online:

2025 - 02 - 02

Keywords:

Livelihood strategies,
survival strategies,
disadvantaged
neighborhoods, youth,
Kermanshah

ABSTRACT

Reports indicate widespread and persistent youth unemployment in Kermanshah, with many young people in underprivileged neighborhoods lacking familial support to secure a livelihood. This study examines the livelihood and survival strategies among disadvantaged youth in the impoverished neighborhoods of Kermanshah. Data for the research has collected through qualitative methods, using interviews and observations. The sample size consists of 30 youth residents of Kermanshah's deprived neighborhoods. Thematic analysis was employed as the data analysis strategy. The research explores the survival strategies of youth in these neighborhoods in several key categories: housing strategies, marriage, education, food, borrowing, and fluid livelihoods. Some of the most important themes of this study include: a pragmatic and functional approach to marriage, the obsolescence of education in the labor market, poor and low-quality housing, and strategies to maintain the status quo; food insecurity and the absence of quality food on the youth's tables; resorting to borrowing in the face of problems, a negative perception of debt, and the preference for borrowing from friends rather than family; and, finally, a fluid and insecure livelihood that has led to unstable living conditions for the youth in question. The young people living in these disadvantaged neighborhoods are not only struggling with their own multidimensional poverty but must also tackle challenges related to their family members.

Cite this article: Piri, S., Parvin, S., & Mohammadi, M.R (2024). Survival Strategies Among Youth in Disadvantaged Neighborhoods of Kermanshah, *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (1), 97-121.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.



راهبردهای بقا در میان جوانان محله‌های محروم شهر کرمانشاه

صدیقه پیری^۱ | ستار پروین^۲ | محمدرسول محمدی^۳

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: Sedighe.piri@atu.ac.ir
۲. دانشیار گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: sparvin1359@gmail.com
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات جوانان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: mohammadrasoulmohammadi64@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ کلیدواژه‌ها: راهبردهای معیشت، راهبردهای بقا، محلات محروم، جوانان، کرمانشاه.	گزارش‌ها نشان می‌دهد بیکاری گسترده و مداوم جوانان، در شهر کرمانشاه شایع است، در بسیاری از محلات کم‌برخوردار، جوانان برای تأمین معاش از حمایت خانواده برخوردار نیستند. این مطالعه به بررسی راهبردهای معیشت و بقا در میان جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه می‌پردازد. داده‌های پژوهش از طریق روش کیفی و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده گردآوری شده‌اند، حجم نمونه ۳۰ نفر از جوانان ساکن در محلات محروم شهر کرمانشاه می‌باشد، از روش تحلیل موضوعی یا تماتیک به‌عنوان استراتژی تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در این تحقیق استراتژی‌های بقای جوانان ساکن در محلات محروم کرمانشاه در چند دسته مهم بررسی شده است: راهبرد تأمین مسکن، ازدواج، تحصیل، خوراک، استقراض و معیشت سیال. برخی از مهم‌ترین مقولات پژوهش حاضر عبارت‌اند از: نگاه منفعت‌گرایانه و کارکردگرایانه به مقوله ازدواج، بی‌کارکرد شدگی تحصیل در بازار کار، سرپناه محقر و بی‌کیفیت و اتخاذ راهبردهایی برای حفظ وضعیت موجود، فقر غذایی و خارج شدن خوراک باکیفیت از سفره جوانان، توسل به قرض در رویارویی با مشکلات، پنداشت منفی از قرض و بدهی و عدم قرض از اقوام و ترجیح قرض از دوستان و درنهایت معیشت سیال و ناایمن که موجب شده جوانان مورد مطالعه وضعیت زندگی بی‌ثباتی داشته باشند. جوانان ساکن در محلات محروم عموماً نه تنها درگیر فقر همه‌جانبه خود هستند، بلکه می‌بایست به رفع چالش‌های مرتبط به اعضای خانواده خود نیز بپردازند.

استناد: پیری، صدیقه، پروین، ستار، و محمدی، محمدرسول. (۱۴۰۳). راهبردهای بقا در میان جوانان محله‌های محروم شهر کرمانشاه، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۹۷-۱۲۱.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه و بیان مسئله

فقر و محرومیت واقعی دردناک و رنج‌آور است که تمام جوانب و ابعاد زندگی قشرهای از مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است. فقرا عموماً دامنه انتخاب زیادی ندارند، در برابر بحران‌ها و مصیبت‌های اقتصادی، اجتماعی و طبیعی آسیب‌پذیرترند، پيله حفاظتی اندک دارند، به دلیل فقدان‌های که در زندگی خود دارند، اقدام به تغییر زندگی برای آنان دشوارتر از بقیه است، بنابراین به احتمال زیاد امید به آینده بهتر برای آنان دشوار است. به همین سبب از دیرباز معضل فقر و محرومیت یکی از مسائل و دغدغه‌های مهم صاحبان اندیشه، دغدغه‌مندان، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف بشمار رفته است.

هر یک از کشورهای جهان برای از بین بردن و یا کاهش وسعت فقر، برنامه یا سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی خاصی را تدوین و به اجرا درمی‌آورند. در ایران نیز پس از به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی، در قانون اساسی در زمینه مسئله مبارزه با فقر و محرومیت، اصول متعددی تدوین و به تصویب رسید (کتابی و کتابی، ۱۳۹۸) همچنین در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور که در سال ۱۳۸۲ تنظیم و ابلاغ شده است، یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی جامعه‌ای بهره‌مند از رفاه، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد و به‌دوراز فقر و تبعیض توصیف شده است.^۱ اما در دهه‌های اخیر عوامل متعددی دست‌به‌دست هم داده‌اند و منجر به افزایش فقر شهری در ایران شده‌اند. عواملی نظیر نرخ فزاینده بیکاری، تورم، تحریم، عدم موفقیت برنامه‌های توسعه و طرح ساماندهی اقتصادی و بحران‌هایی همانند شیوع ویروس کرونا که موجب آسیب رساندن و تعطیلی بسیاری از مشاغل شد را می‌توان برشمرد (عرب مازار، ۱۳۸۷: ۲۵). با ادامه توسعه نابرابر در جامعه، افزوده شدن نیروهای جوان متقاضی کار و به نتیجه نرسیدن برنامه‌های توسعه در کاستن فقر، همگی به افزایش شمار فرودستان شهری منجر شده‌اند. از سویی جمعیت فرودستان و حاشیه‌نشینان ایران آن‌قدر بزرگ شده و روزه‌روز در حال گسترش است که ناگزیر می‌باید آن را به‌عنوان یکی از شیوه‌های زیست در کنار سایر راه‌های زندگی فهمید و تحلیل کرد (صفری و عباس زاده، ۱۴۰۱: ۷۰). آنچه در این زمینه توجه انسان را به خود جلب می‌کند گستردگی و اثرگذاری پدیده فقر و محرومیت بر انواع عملکردهای اجتماعی جامعه می‌باشد؛ بدین شکل که بقا و تداوم فقر و محرومیت، خود می‌تواند به تشدید توسعه‌نیافتگی جامعه منجر شود و از سوی دیگر وقتی که به بدنه جوان جامعه ایران نگاه می‌کنیم این معضل رنگ و بوی تازه‌ای به خود می‌گیرد. جوانان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیازمند توجه ویژه‌اند؛ این گروه جمعیتی سهم بالایی از جامعه را تشکیل می‌دهند. تأکید و پرداختن به وضعیت بیکاری، شرایط معیشتی نامساعد و مسئله فقر جوانان از آن‌رو اهمیت دارد که مسائل نامبرده برای این گروه سنی به‌صورت بالقوه چالش سوق دادن آنان به مشاغل کاذب، فعالیت‌های بزهکارانه، خشونت‌آمیز و آسیب‌پذیری بیشتر آن‌ها را به همراه دارد. استان کرمانشاه، برحسب شاخص‌ها و مستندات موجود از چهار دهه قبل، یکی از استان‌های دارای بیشترین نرخ بیکاری و نرخ فلاکت و توسعه‌نیافتگی بوده است (مرکز آمار ایران).^۲ مطابق اعلام مرکز آمار ایران، در تابستان سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، استان کرمانشاه به ترتیب با نرخ بیکاری ۱۴/۹ و ۱۳/۶ (بعد از استان هرمزگان با نرخ بیکاری ۱۵/۸ و ۲۲/۶) رتبه دوم بیکاری کشور را به خود اختصاص داد (تسنیم، ۱۹ مهرماه ۱۴۰۱)؛^۳ همچنین در

۱. وب‌سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظ‌الله)، (۱۳۸۲) به آدرس fars.khamenei.ir

۲. وب‌سایت مرکز آمار ایران به آدرس <https://www.amar.org.ir>

۳. تسنیم نیوز (۱۴۰۱)؛ کد خبر: ۲۷۸۶۳۴۲ تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۷/۱۹ به آدرس <https://www.Tasnimnews.com>

۴. یازاکو، (۱۴۰۱)؛ کد خبر: ۶۱۸۵۷ تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۲/۲۱ به آدرس <https://www.Yazeco.ir>

۵. همشهری آنلاین - وب‌گاه روزنامه همشهری (۱۳۹۸)؛ کد خبر: ۴۵۲۲۱۶ تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۵/۳۰ به آدرس <https://www.hamshahri online>

سال ۱۴۰۰ با نرخ فلاکت (جمع نرخ تورم و بیکاری) ۵۷/۶ درصد از لحاظ شاخص فلاکت در میان استان‌های کشور رتبه سوم (بعد از استان‌های آذربایجان غربی با ۶۲/۲، کردستان و لرستان با ۵۷/۸ درصد) را داشته است (یازاکو، ۱۴۰۱/۲/۲۱). این وضعیت در حالی است که وسعت محلات حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ حدود ۱۴ برابر افزایش یافته است و ۳۳ درصد جمعیت شهر کرمانشاه یعنی ۳۰۰ هزار نفر (با احتساب جمعیت مناطق فرسوده) حاشیه‌نشین هستند (همشهری آنلاین). در این شرایط نکته مهم شاید این باشد که چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی معضلات پیچیده‌ای هستند که بعد از شکل‌گیری یکدیگر را تقویت کرده و توسعه می‌دهند. در این راستا برنامه‌های افزایش جمعیت در مقطعی به همراه عدم برنامه‌ریزی همه‌جانبه و نیز وقوع دفاع مقدس و... در نهایت به عدم توسعه‌یافتگی، فقر و محرومیت استان کرمانشاه نسبت به سایر استان‌های کشور شده و همین امر باعث بازتولید و استمرار این شرایط گشته است (کریمی و واعظ زاده، ۱۳۹۹). در چنین شرایطی و با تشدید بیکاری و مسائل معیشتی خانواده‌ها در سال‌های اخیر، جوانان کرمانشاهی به‌ویژه جوانان فرودست محلات محروم که از حمایت‌های اقتصادی خانواده برخوردار نیستند در معرض مشکلات و چالش‌های مضاعفی قرار می‌گیرند. شناخت و آگاهی از راهبردهایی که جوانان فقیر و بیکار برای بقا و زنده ماندن خود و خانواده انجام می‌دهند به‌ویژه در جایی که اهمیت استراتژیک منطقه به دلیل مرزی بودن بر کسی پوشیده نیست، می‌تواند اطلاعات جدیدی را ارائه کند، بسته به نوع راهبردهایی که جوانان برای معیشت و بقای خود برمی‌گزینند، ممکن است مسیر متفاوتی برای زندگی در پیش بگیرند و آثار اجتماعی- سیاسی این اقدامات شعاع گسترده‌تری را پوشش دهد. چالش راهبردهای بقا برای جوانان دارای خانواده‌های فقیر و کمتر برخوردار و بعضاً بی‌سرپرست یا بد سرپرست که نمی‌توانند از لحاظ تأمین مخارج، جوانانشان را حمایت کنند و حتی از آنان انتظار دارند که مخارج زندگی خانواده را به دوش بکشند و خانواده را نیز حمایت کنند؛ موضوع حساسیت بیشتری به خود می‌گیرد. سؤال اساسی مقاله حاضر این است که در این اوضاع، جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه برای امرار معاش و بقا (ازدواج، تأمین مسکن، آموزش و تغذیه) چه راهبردهایی را در پیش می‌گیرند؟

پیشینه پژوهش

آصف بیات (۱۳۷۹) در کتابی با عنوان «سیاست‌های خیابانی، جنبش تهی‌دستان در ایران» کوشیده است مبارزات آن بخش از گروه‌های اجتماعی که به واسطه عدم تعلق به طبقه یا قشر معینی، سرنوشت مبارزات و تلاش روزمره‌شان برای بقا را به تصویر بکشد. حاشیه‌نشینان شهری، فروشندگان دوره‌گرد و کارگران روزمزد که همگی در این کتاب تحت عنوان «تهی‌دستان شهری» مورد توجه قرار گرفته‌اند. تلاش روزمره و پیگیر این گروه‌های فرودست جامعه برای بهبود وضع مسکن و معیشت، کار و درآمد، آن‌ها را به اتخاذ راهکارهایی همچون همراهی و همگامی موقت با این یا آن نیروی سیاسی، تأسیس تشکل‌های مستقل با عمری بیش و کم و کوتاه و همچنین مذاکره و معامله با دولت و حکومت سوق می‌دهد. در پژوهش جهاد دانشگاهی (۱۳۸۴) وضعیت اقتصادی سه محله محروم دولت‌آباد، شاطر آباد و کولی آباد در شهر کرمانشاه بررسی شده است؛ در دولت‌آباد قاچاق و خریدوفروش مشروبات الکلی، مواد مخدر و دست‌فروشی در اولویت بوده است. در محله کولی آباد به‌ویژه بخش کولی نشین توزیع مواد مخدر حرف اول را زده است و خریدوفروش مشروبات الکلی و سی‌دی‌های مبتذل نیز دارای اهمیت بوده است. در شاطر آباد مشاغل غیررسمی بیشتر در ردیف دست‌فروشی و میوه‌فروشی بوده‌اند. کریمی و واعظ زاده (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «زندگی در چارک چهارم؛ مطالعه سبک زندگی محلات محروم شهر کرمانشاه» به این نتایج دست یافتند که محلات محروم شهر کرمانشاه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، فراغتی، ذوقیات و مدیریت بدن، به‌رغم تفاوت‌های جزئی، به‌طور نسبی از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند که ویژگی اصلی آن فقر و محرومیت است؛ و در بیشتر شاخص‌ها بین مناطق محروم و برخوردار تفاوت معنادار وجود دارد. احمدی و حامد (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با

عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی مشاغل غیررسمی در مناطق محروم شهر کرمانشاه» به این نتیجه دست یافتند که: سرریز جمعیتی که در محلات محروم سکنی گزیده‌اند از اقتصاد غیررسمی شهر نهایت استفاده کرده و با خوداشتغالی از درون آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی تأمین معیشت کرده است؛ بنابراین اقتصاد غیررسمی بار عمده تأمین معیشت حداقلی افراد محلات محروم را بر دوش گرفته و نتیجه چنین ساختار اقتصادی، پیامدهای ناخواسته اجتماعی و اقتصادی برای فرد، خانواده و جامعه است. نتایج پژوهش لطفی خاچکی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «استراتژی‌های بقا در شرایط فقر، در میان افراد کم برخوردار شهر مشهد» نشان‌دهنده این است که استراتژی‌های بقای به کار گرفته‌شده توسط افراد کم برخوردار شهر مشهد شامل: استراتژی‌های حمایت جویی معیشت محور، اشتغال‌گزینی ناقص، آموزش و کسب مهارت‌های پایه‌ای، نزول شدید مصرف خانوار و فعالیت‌های مقطعی مجرمانه بوده است. پژوهش صفری و عباس زاده (۱۴۰۱) با عنوان «سیالیت معاش: فرودستان و تقلا برای بودن» شامل پنج مقوله: تاب‌آوری رنج‌های ناخواسته، جایگزینی برای بیکاری، سبک زندگی و معاش سیال، نهادینه شدن کار غیررسمی: منبع معاش و درآمدزایی آنومیک است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درک و تصور فرودستان از کار در نایس به مثابه نوعی سبک زندگی سیال و بی‌ثبات در جهت نوعی فرآیند درآمدزایی آنومیک در مواجهه و به مثابه جایگزینی برای بیکاری فزاینده موجود است.

در مطالعات خارج از ایران، فراین^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های مهاجرت و بقای شهری در ویندهوک، نامیبیا» به این نتایج دست‌یافت که خانوارهای شهری که بیشتر در معرض گرسنگی قرار دارند، خانوارهایی هستند که ارتباطات اجتماعی محدودی با مناطق روستایی دارند و برای دستیابی به غذا (ازجمله استقراض، تکدی‌گری، کار پاره‌وقت و جرم) باید به فرصت‌های درون‌شهری اعتماد کنند. آسیب‌پذیرترین آن‌ها سرپرست‌های خانوار زن و مرد هستند که دسترسی به درآمد روستایی و درآمد محدود / نامنظم شهری ندارند. در مقابل، کسانی که ارتباط فعال روستایی و شهری دارند از انتقال قابل‌توجه غذا از مناطق روستایی که موجب جبران گرسنگی و آسیب‌پذیری در بافت شهری است بهره می‌برند. کلاسن و پاول^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافتند نمونه‌های پژوهش با انجام استراتژی‌های معیشتی مانند روی آوردن به مشاغل خارج از مزرعه یا خوداشتغالی و تنوع در منابع درآمد خود باعث شدند نه تنها از خطر آسیب‌های بعدی مرتبط با اشتغال کشاورزی در امان بمانند بلکه حتی سطح آسیب‌پذیری خود را نیز کاهش خواهند داد. جانز^۳ (۲۰۱۴) با پژوهشی در میان زنان و مردان فقیر روستایی در السالوادور که با راهبردهایی نظیر استفاده از خدمات گروه‌های غیررسمی، پس‌انداز برای مدیریت امور مالی خانوار و بهره‌گیری از منابع غیرمالی به‌ویژه دوستی‌های صمیمی‌تر و همبستگی بیشتر به مدیریت زندگی در مواجهه با مشکلات عدیده می‌پرداختند؛ دریافت که بهره‌گیری از پس‌انداز و پشتیبانی اجتماعی، توانایی مقابله با شوک‌های ناشی از فقر را افزایش می‌دهد. امندا و همکاران^۴ (۲۰۱۴) دریافتند که زاغه‌نشینان کنیایی با به کار بستن راهبردهایی مانند استفاده از اعتبار و وام، کاهش مصرف مواد غذایی و منع کودکان از ادامه تحصیل برای کاهش هزینه‌ها موجب بقای خود و خانواده می‌شوند. فلورز^۵ (۲۰۱۵) طی پژوهشی از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته با ۲۶ نفر از ساکنان شهری در ایالت فلوریدای امریکا دریافت که مصاحبه‌شوندگان با استفاده از سرمایه‌های مالی، انسانی، فیزیکی و اجتماعی و با حمایت همسایگان و خانواده به بقای خود کمک می‌کنند. همچنین تحصیلات بهتر، به ساکنان در ایجاد شغل بهتر و بهبود معیشت یاری می‌رساند. برخی

1Frayne

2 Klasen & Povel

3 Jahns

4 Amendah &el

5 Florez

ساکنان نیز پس از گذراندن دوره‌های آموزش آشپزی و خیاطی شاهد بهبود وضعیت معیشت خود بودند. سیدلوی و بوملا^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «استراتژی‌های زنده ماندن زنان سالخورده در شهر نگانگلیزوه، متاتا، آفریقای جنوبی» به این نتایج دست یافتند که روابط مبتنی بر دوستی، گروه‌های اجتماعی، کمک‌های بازنشستگی و کمک‌های اقتصادی فرزندان شاغل به کاهش برخی از تجربیات فقر، معیشت، سلامتی، بقا و سازگاری اجتماعی زنان سالخورده کمک می‌کند.

درمجموع، کلیه مطالعات صورت پذیرفته بیانگر این است که موضوع «فقر» و «محرومیت» به‌طور گسترده در میان پژوهشگران مختلف داخل و خارج از کشور موردتوجه قرار گرفته و از جنبه‌های مختلف به این موضوعات پرداخته‌اند؛ باین‌حال موضوع راهبردهایی بقا برای معیشت جوانان فرودست، علیرغم تعمیق مسئله و شرایط ویژه آن در استان کرمانشاه، موردتوجه پژوهش‌های علمی قرار نگرفته است. این امر آشکارا ضرورت و جنبه نوآوری پژوهش حاضر را تصدیق می‌کند.

پیشینه نظری پژوهش

در هر پژوهشی برخی مفاهیم و نظریه‌ها هدایت‌کننده پژوهشگر در اجرای تحقیق هستند. نظریه‌هایی که بدان‌ها در این بخش می‌پردازیم؛ به دلیل اینکه دارای دید جامع همراه با در نظر گرفتن عوامل مختلف می‌باشند و از سویی موجب شناسایی بهتر در زمینه راهبردهای بقا در میان جوانان فرودست در محلات محروم می‌گردند، به همین جهت انتخاب شده‌اند.

نظریه انتخاب عقلانی: اصول بنیادی نظریه گزینش عقلانی از اقتصاد نوکلاسیک، فایده‌گرایی و نظریه بازی سرچشمه گرفته است. تأکید و تمرکز نظریه گزینش عقلانی بر روی کنشگران است. به اعتقاد نظریه‌پردازان گزینش عقلانی، کنشگران دارای هدف و نیت هستند؛ یعنی مقاصد یا اهدافی را برای کنش‌هایشان در نظر دارند. کنشگران همچنین دارای رجحان‌های (ارزش‌ها و منفعت‌ها) هستند. نظریه گزینش عقلانی به این قضیه کاری ندارد که این اولویت‌ها یا منابع آن‌ها چه چیزهایی هستند. ازجمله نکات مهم این نظریه این است که کنش در راستای نیل به اهدافی عمل می‌کند که با سلسله‌مراتب رجحان کنشگر هماهنگی دارد. نظریه‌پردازان گزینش عقلانی معتقدند که کنشگران در جهت به حداکثر رساندن سودهایشان عمل می‌کنند و به این منظور ممکن است رابطه بین شانس‌های نیل به اهداف اصلی و کسب شانس‌های دستیابی به دومین هدف ارزشمند را مورد ارزیابی قرار دهند (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۰۰-۳۹۹). اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را جست‌وجوگرانی منطقی می‌شناسند که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند. آدام اسمیت تقسیم‌کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است. اقتصاددانان نوکلاسیک در ادامه همین راه می‌خواستند علم اقتصاد را بر اساس این اصل که «انسان در جست‌وجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است» پایه‌ریزی کنند. مفهوم «انسان اقتصاد» برای آن‌ها انسانی فرضی است که به‌طور منطقی و با روش کاملاً عقلانی در تعقیب منافع شخصی خود است (قدیری اصل، ۱۳۷۶: ۳۲۴-۳۲۳).

نظریه فشار اجتماعی: بر اساس نظریه فشار اجتماعی عاملی که باعث می‌شود افراد به ارتکاب رفتارهای انحرافی و پرخطر و جرم دست بزنند، فشار اجتماعی می‌باشد. جرم‌شناسانی که جرم را به‌عنوان پیامد مستقیم محرومیت و خشم طبقه پایین در نظر می‌گیرند به‌عنوان «نظریه‌های فشار» شناخته می‌شوند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که اغلب مردم اهداف و ارزش‌های مشابهی دارند اما توانایی دسترسی به اهداف مشخص به‌وسیله طبقه اجتماعی - اقتصادی طبقه‌بندی می‌شود، فشار در نواحی ثروتمند محدود می‌شود؛

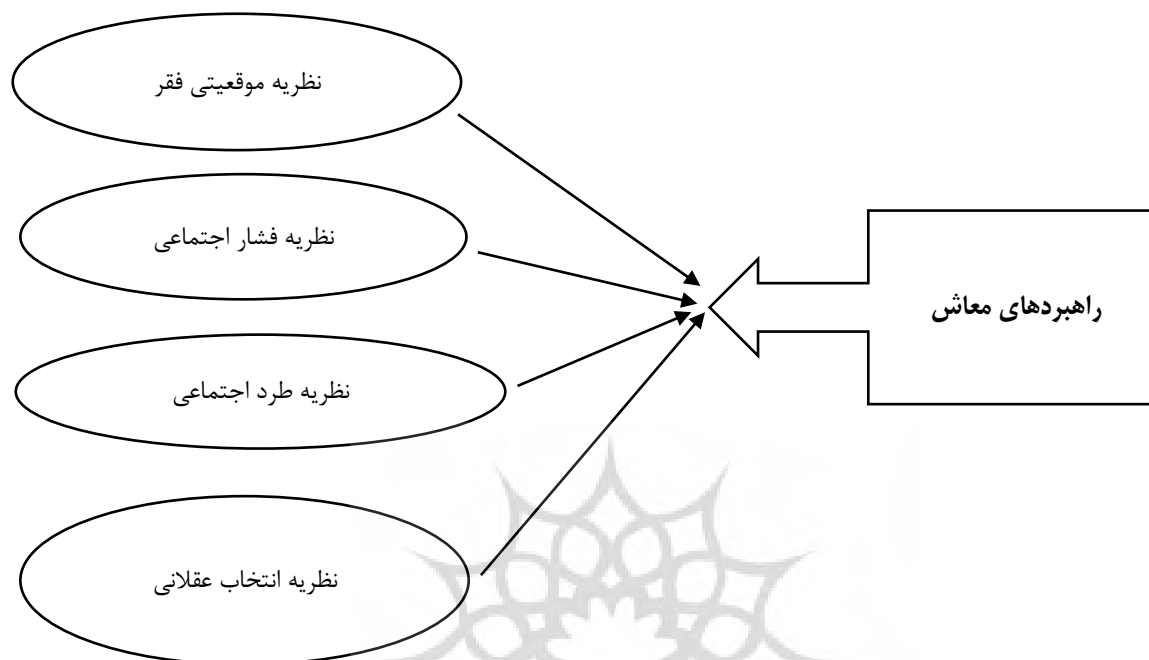
زیرا فرصت‌های آموزشی و شغلی را در دسترس دارند (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۲). به نقل از پروین و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۹) تز اصلی نظریه سنتی فشار این است که فرصت‌های مسدود شده برای دستیابی به اهداف موفقیت، ایجاد فشار و یا محرومیت می‌کند که این شرایط منجر به محرومیت می‌شود (پروین، ۱۳۹۱، به نقل از پروین و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

نظریه طرد اجتماعی: در این رویکرد مهم‌ترین پیامد فقر، طرد اجتماعی افراد است. فقرا به دلیل نداشتن درآمد بالاتر از سطح معیشت توان مشارکت و فعالیت اجتماعی هدفمند و مطلوب را از دست می‌دهند و در نتیجه از روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بازمی‌مانند. طرد در دو سطح خرد و کلان اتفاق می‌افتد؛ مفهوم کلان طرد در واقع جایی است که صحبت از ظرفیت ساختاری عضویت اجتماعی مطرح باشد. در این سطح، گروه‌ها و اشخاص مطرود اجتماعی، دچار عدم توانایی یا فقدان دسترسی به فرصت‌های ساختاری می‌شوند. طرد در سطح خرد، موجب قطع پیوندهای اجتماعی می‌شود که گروه‌ها را به هم متصل می‌سازد. در اینجا تأکید بر روی روابط میان افراد و گروه‌ها است، بدون این که نگاهی جدی به نقش ساختارهای مطرود ساز افکنده شود. برخی مواقع طرد در هر دو سطح وجود دارد؛ در این حالت، طرد در عین حال که پدیده‌ای خرد است، پدیده‌ای کلان نیز محسوب می‌شود (بالعکس). این رویکرد می‌تواند از رویکرد قبلی که در آن طرد، روابط گروهی و میان اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد، متمایز شود؛ زیرا نه فقط افراد مطرود، بلکه نهادها و اشخاص مطرود ساز را هم که از این جریان بهره‌مند می‌شوند، دربر می‌گیرد (طالبان و آذرنگ، ۱۳۹۷: ۸۴). فقرا معمولاً در عرصه اجتماعی، حضور چندانی ندارند و از مشارکت در فعالیت‌های عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان‌های بزرگ پرهیز می‌کنند و در هیچ‌یک از انجمن‌های عام‌المنفعه و داوطلبانه عضو نمی‌شوند. این امر ناشی از فقدان منابع مالی یا تبعیض و امثال آن است (راج و راج، ۱۳۵۴: ۲۷).

نظریه موقعیتی فقر: این نظریه تفاوت رفتارهای فقرا را به دلیل نداشتن منابع و فرصت‌های انطباق با شیوه‌های طبقه متوسط توضیح می‌دهد. برای مثال مردم فقیر فرصت‌های اندکی برای رفتن به دانشگاه داشته و ترک تحصیل می‌کنند یا زنان فقیر، خانواده مادر محوری را ترجیح می‌دهند به دلیل آن که به آن‌ها اجازه ادعای بیشتر در مورد فرزندانشان را می‌دهند. این نظریه با وجود اینکه به شرایط ساختاری فقر اهمیت می‌دهد اما بر پاسخ‌های فردی به موقعیت عینی فقر تمرکز می‌یابد (شیانی، ۱۳۸۴: ۷).

چارچوب مفهومی پژوهش

گزینش راهبردها برای جوانان فقیرنشین در بسترهای فرهنگی خاص متأثر از شرایط و فضایی که در آن قرار دارند و در بستر «فشار اجتماعی» (با توجه به چالش‌های مربوط به خانواده و فقر آنان از یک سو و فرصت‌های مسدود شده در زمینه فرصت‌های آموزشی و شغلی مناسب از سوی دیگر) محقق می‌شود، این جوانان به خاطر تجربه «موقعیت فقر» در زندگی خود و عدم دسترسی به منابع و فرصت‌ها، اقداماتی را انجام و از اقدامات دیگر صرف‌نظر می‌کنند. از سوی دیگر «طرد اجتماعی» (به دلیل نداشتن درآمد بالاتر از سطح معیشت، از دست دادن توان مشارکت و فعالیت اجتماعی هدفمند و مطلوب و در نتیجه دور ماندن از تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) پیامد ناگزیری برای افراد فقیرنشین است؛ به‌رغم همه این موارد بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، کنشگران بدون هدف و نیت و عمل (در اینجا معیشت و بقای خود و خانواده) نیستند؛ یعنی مقاصد، اهداف، اولویت‌ها و انتخاب‌هایی را برای بهبود اوضاع برمی‌گزینند.



بر این اساس سؤالات پژوهش حاضر بدین منوال است: جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه چه راهبردهایی برای معیشت و بقای خود و خانواده اتخاذ می‌کنند و چگونه زندگی خودشان را با این درآمدها مدیریت می‌کنند و خانواده را حفظ می‌کنند؟ بر همین اساس پژوهش حاضر برخی سؤالات فرعی نیز دارد: نوع راهبردهایی که جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه برای معیشت و بقا اتخاذ می‌کنند تحت تأثیر چه زمینه‌هایی است؟ و چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، نمونه‌گیری از میان جوانان فرودست (بیکار و یا دارای مشاغل غیررسمی) محلات محروم شهر کرمانشاه انجام پذیرفته است. بر اساس اطلاعات دفاتر تسهیلات و توسعه محلی شهر کرمانشاه بیشترین نرخ بیکاری در این شهر به ترتیب مربوط به محلات مهرآباد با نرخ (۶۶,۷) چقاگلان (۵۶,۵)؛ باغ ابریشم (۴۳,۳)؛ تپه فتحعلی خان (۴۲,۲)؛ جعفرآباد (۳۶,۵) است. بر همین مبنا در فرایند نمونه‌گیری تلاش شد با توجه به گردآوری داده‌ها، نمونه‌ها از یک محله و یا سایر محلات موردنظر بر اساس اطلاعات دفاتر تسهیلات و توسعه محلی شهر کرمانشاه انجام و همچنین از تنوع نمونه‌ها (پسران و دختران با شرایط خانوادگی، وضعیت تأهل و تحصیلی گوناگون) استفاده شود. شایان ذکر است با توجه به عدم همکاری دفاتر تسهیلات در روند معرفی نمونه‌ها در برخی از محلات موردنظر و از سویی برداشت نامناسب مصاحبه‌شوندگان از اهداف محقق و اتفاقاتی که حین مصاحبه در بعضی از محلات (محله باغ ابریشم) رخ داد، تنها به محلات مدنظر بسنده نمودیم و از جوانان فرودست سایر محلات محروم شهر کرمانشاه ازجمله محلات محروم دولت‌آباد، کرناچی، چیاکو، کیهان شهر و... واجد شرایط (سنین بین ۱۸ تا ۳۸ سال، فاقد شغل یا دارای مشاغل غیررسمی و دارای معیشت ناپایدار، دارای خانواده تهیدست و بی‌بضاعت) و بر اساس پرس‌وجو، معرفی دوستان و آشنایان، افراد تحت پوشش مراکز خیریه و مراکز مشاوره مثبت

زندگی سازمان بهزیستی استان کرمانشاه، مصاحبه نیمه ساختمند به عمل آمد. مصاحبه در دفاتر تسهیلگری وابسته به استانداری کرمانشاه و یا در مکان‌هایی با توافق بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شوندگان صورت پذیرفت که فرایند هر مصاحبه حداقل ۴۰ دقیقه و حداکثر دو ساعت به طول انجامید. محدوده زمانی فرایند پژوهش حاضر، فروردین‌ماه سال ۱۴۰۰ تا بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ است. حجم نمونه ۳۰ نفر می‌باشد که در جدول ۱ مشخصات زمینه‌ای نمونه‌های تحقیق معرفی می‌شوند.

جدول ۱: مشخصات زمینه‌ای نمونه‌های پژوهش

ردیف	نام	سن	جنسیت	تحصیلات	وضعیت تأهل	قومیت	تعداد اعضای خانواده	نام محله
۱	محمد	۳۷	مرد	دیپلم	مجرد	لک	۵ نفر	کرناچی
۲	آرمان	۳۶	مرد	کارشناسی ارشد جغرافیای شهری	مجرد	کرد	۳ نفر	سرچشمه
۳	رضا	۳۰	مرد	دانشجوی انصرافی کارشناسی فلسفه	مجرد	کرد	تنها زندگی می‌کند	چپاکو
۴	افشین	۳۸	مرد	دیپلم	مطلقه	کرد	۳ نفر	مهرآباد
۵	سعید	۳۶	مرد	دوم ابتدایی	مجرد	لک	۳ نفر	جعفرآباد
۶	امید	۳۲	مرد	کارشناسی علوم اجتماعی	مجرد	کرد	۲ نفر	دولت‌آباد
۷	ندا	۲۲	زن	سطح دو حوزه	مجرد	لک	۶ نفر	جعفرآباد
۸	مریم	۳۶	زن	دیپلم	مجرد	کرد	۲ نفر	شهید
۹	طاهره	۳۸	زن	دیپلم	متاهل	کرد	۴ نفر	پایانه اسلام‌آباد غرب
۱۰	لیلا	۳۸	زن	پنجم ابتدایی	مطلقه	لک	۳ نفر	رودکی
۱۱	ناهید	۳۱	زن	دیپلم	مطلقه	کرد	۵ نفر	معلم
۱۲	روژین	۳۸	زن	دوم راهنمایی	مطلقه	لک	۲ نفر	جعفرآباد
۱۳	سمیرا	۳۶	زن	کارشناسی ارشد شیمی	مجرد	کرد	۳ نفر	شهید
۱۴	طیبه	۲۳	زن	دیپلم	متاهل	کرد	۴ نفر	دره دراز
۱۵	پریسا	۲۵	زن	اول راهنمایی	مجرد	لک	۶ نفر	جعفرآباد
۱۶	پرستو	۲۹	زن	دیپلم	متاهل	لک	۵ نفر	کرناچی
۱۷	نیلوفر	۳۱	زن	دیپلم	مجرد	کرد	۵ نفر	دولت‌آباد
۱۸	نگین	۳۲	زن	کارشناسی ارشد ادبیات عرب	مجرد	کرد	۴ نفر	رودکی
۱۹	دل‌وین	۲۴	زن	دیپلم	مجرد	کرد	۵ نفر	باغ ابریشم
۲۰	فائزه	۳۸	زن	سوم راهنمایی	مجرد	کرد	۳ نفر	دولت‌آباد
۲۱	حسنا	۳۴	زن	کارشناسی	مطلقه	کرد	۲ نفر	کیهان شهر
۲۲	کژال	۲۷	زن	کارشناسی ارشد آمار	مجرد	کرد	۵ نفر	دولت‌آباد
۲۳	چیمین	۲۵	زن	دیپلم	مجرد	لک	۵ نفر	شهید
۲۴	احمد	۲۷	مرد	دیپلم	مجرد	کرد	۵ نفر	مسکن
۲۵	هادی	۲۳	مرد	دانشجوی کارشناسی الهیات	مجرد	کرد	۴ نفر	باغ ابریشم
۲۶	کیوان	۲۹	مرد	سوم راهنمایی	مجرد	کرد	تنها زندگی می‌کند	آناهیتا
۲۷	نورالدین	۳۰	مرد	دوم راهنمایی	مطلقه	کرد	۲ نفر	مهرآباد
۲۸	روناک	۳۰	زن	کارشناسی ارشد الهیات	مجرد	کرد	۵ نفر	شهید
۲۹	شیرین	۲۲	زن	کارشناسی علوم قرآن و حدیث	مجرد	لک	۴ نفر	شهید
۳۰	پروین	۳۰	زن	دانشجوی انصرافی کارشناسی	مطلقه	لک	۶ نفر	چقاگلان

بر اساس جدول ۱، تعداد ۳۰ نفر به عنوان اطلاع رسان انتخاب شده که از لحاظ سن، بین ۲۲ تا ۳۸ سال متغیر هستند. طبق جدول، از لحاظ جنسیت، ۱۰ نفر مرد و ۲۰ نفر زن هستند. از نظر وضعیت تأهل، ۳ نفر متأهل، ۲۰ نفر مجرد و ۷ نفر مطلقه هستند. از نظر وضعیت تحصیلی، ۷ نفر زیر دیپلم، ۱۱ نفر دیپلم، ۳ نفر کارشناسی، ۵ نفر کارشناسی ارشد، ۲ نفر دانشجوی انصرافی کارشناسی و ۱ نفر سطح دو حوزه و ۱ نفر دانشجوی کارشناسی هستند. همچنین از لحاظ قومیت، ۱۹ نفر کرد، ۱۰ نفر لک می باشند.

روش انتخاب نمونه هفتمند است. در وهله اول؛ هدف ما انتخاب نمونه ها از محلات فرودست بر اساس اطلاعات دفاتر تسهیلات و توسعه محلی شهر کرمانشاه بود که بر این اساس محلات مهرآباد با نرخ بیکاری (۶۶,۷) چقاگلان (۵۶,۵)؛ باغ ابریشم (۴۳,۳)؛ تپه فتحعلی خان (۴۲,۲) و جعفرآباد (۳۶,۵) که دارای بیشترین نرخ بیکاری بودند به عنوان میدان تحقیق انتخاب شدند. شایان ذکر است با توجه به عدم همکاری دفاتر تسهیلات در روند معرفی نمونه ها در برخی از محلات موردنظر و از سویی برداشت نامناسب مصاحبه شوندگان از اهداف محقق و اتفاقاتی که حین مصاحبه در بعضی از محلات (محله باغ ابریشم) رخ داد، تنها به محلات مدنظر بسنده نمودیم و از جوانان فرودست سایر محلات محروم شهر کرمانشاه از جمله محلات محروم دولت آباد، کرناچی، چیاکو، کیهان شهر و... نیز مصاحبه به عمل آمد. در وهله دوم؛ هدف ما جوانان سنین ۱۸ تا ۳۸ سال، فاقد شغل یا دارای مشاغل غیررسمی و دارای معیشت ناپایدار، دارای خانواده تهیدست و بی بضاعت ساکن در محلات انتخابی بود. در وهله بعد ما سعی نمودیم که تنوع در بین نمونه هایمان داشته باشیم و به این سبب نمونه ها شامل دختر و پسر جوان با شرایط خانوادگی، قومیت، وضعیت تأهل و تحصیلی گوناگون بودند. انتخاب نمونه ها بر اساس معرفی دفاتر تسهیلات و توسعه محلی شهر کرمانشاه و یا بر اساس پرس و جو، معرفی دوستان و آشنایان، افراد تحت پوشش مراکز خیریه و مراکز مشاوره مثبت زندگی سازمان بهزیستی استان کرمانشاه بر اساس شرایط پیش گفته صورت پذیرفت. تعداد نمونه ها بر اساس رضایت و همکاری افراد برای انجام مصاحبه و مشارکت در پژوهش می باشد که پس از انجام ۳۰ مورد مصاحبه، یافته ها دچار اشباع شده و نتیجه جدیدی از متعاقب آن حاصل نگردید و فرایند انجام مصاحبه به پایان رسید.

معمولاً به جای مفاهیمی مانند «روایی» و «پایایی» که در پژوهش های کمی به کار برده می شود، در پژوهش های کیفی از مفاهیمی مانند وثوق پذیری، تأیید پذیری و اتکاپذیری استفاده می گردد (نیومن، ۱۳۸۹) در پژوهش حاضر برای دستیابی به این موضوعات، اقدامات زیر به انجام رسیده است:

- ارائه کدگذاری داده ها به حداقل دو صاحب نظر در حوزه پژوهش حاضر و تأیید مقوله ها و یافته های به دست آمده توسط آن ها
- نهایت دقت در ضبط، مستندسازی و نگارش یافته ها و بهره مندی از نظرات اساتید در کلیه مراحل انجام پژوهش
- حضور پژوهش گر در میدان پژوهش و تلاش برای گردآوری داده های موثق از طریق تماس نزدیک با مشارکت کنندگان و به کار بردن ابزارهای پژوهش شامل: مصاحبه های دقیق، مشاهده و یادداشت برداری.

یافته‌های پژوهش

رویارویی با ازدواج

از مهم‌ترین موضوعات مربوط به جوانان، موضوع ازدواج است، در این بخش به توضیح مقولاتی می‌پردازیم که به ما در فهم بیشتر استراتژی‌ها و مکانیزم‌هایی مدد می‌رساند که جوانان فقیر برای حل مسئله ازدواج خود در پیش می‌گیرند. یکی از سوالات پژوهش حاضر به استراتژی‌های جوانان برای ازدواج و چگونگی مدیریت آن برمی‌گردد. جدول ۲ نشان‌دهنده مقولات مرتبط است، یافته‌های تحقیق در زمینه استراتژی ازدواج جوانان نشان‌دهنده ازدواج آنان در شرایط دشوار، ازدواج فقیرانه، ازدواج کارکردگرایانه با رویای تحرک اجتماعی و در مواردی رویگردانی از ازدواج است.

جدول ۲: مقوله رویارویی با ازدواج بر حسب مقوله‌های تشکیل‌دهنده

مقوله	مفاهیم	مقولات خرد
رویارویی با ازدواج	شرایط شغلی دشوار - زندگی مشترک با خانواده همسر - کمک برادر برای تهیه جهیزیه در حد اجناس جزئی - داشتن حقوق ثابت شرط ازدواج و شروع زندگی - ازدواج برادران، زندگی دشوار و عدم کمک به والدین - تأثیر محله نامناسب زندگی بر عدم ازدواج مناسب	ازدواج در حالت دشوار
	استفاده از اتاق خانه مادر بزرگ همسر برای شروع زندگی - برگزاری مراسم عروسی با حداقل تعداد افراد برای کاهش هزینه‌ها - اجباری نبودن برگزاری مراسم عروسی - ماه‌عسل جایگزین مراسم عروسی - گرفتن قرض و وام برای تأمین هزینه‌های ازدواج - کمک خانواده برای تهیه جهیزیه - خرید جهیزیه به صورت قسطی - ترک تحصیل و ازدواج اجباری دختران برای تأمین مخارج - مشکل در تأمین هزینه‌های ازدواج و نخريدن جهیزیه به عنوان تنها راه حل - حراج اجناس مغازه در صورت ازدواج و تهیه جهیزیه به دلیل نداشتن پس‌انداز کافی - تلاش از طریق دست‌فروشی، کشاورزی و کار در میدان تره‌بار برای ازدواج - شوهر دادن فرزند در سنین پایین در صورت بدتر شدن شرایط مالی - به تأخیر انداختن ازدواج برای کمک به خانواده - کار، پس‌انداز و خرید اقلامی از جهیزیه توسط خود دختر - ازدواج و تهیه جهیزیه به صورت اشتراکی مشروط بر اشتغال مصاحبه‌شونده - حساب کردن روی وام ازدواج برای پرداخت اندکی از هزینه‌ها بدون داشتن پس‌انداز و حمایت مالی خانواده - انتظار کمک از خواهران و برادران برای تهیه جهیزیه فرزند دختر - خرید جهیزیه بر اساس توان مالی خانواده دختر (رسم و رسوم قومیتی)	ازدواج‌های فقیرانه
	- ازدواج با زنی که دارای خانه باشد - ازدواج با دختر پولدار - اولویت قائل شدن برای وضعیت اقتصادی همسر در انتخاب همسر و تشکیل خانواده - دید حمایتگری و مالی به ازدواج مجدد	ازدواج کارکردگرایانه: رویای تحرک اجتماعی
	عدم ازدواج بعد از یک سال عقد به خاطر عدم تهیه جهیزیه و وضعیت مالی ضعیف نامزد - عدم فکر کردن به ازدواج در شرایط سخت زندگی - پرداخت هزینه‌های زندگی با والدین، بدون پس‌انداز، نداشتن کار مناسب و در نتیجه مجرد ماندن و عدم ازدواج - امیدوار نبودن به ازدواج - قید ازدواج را زدن به خاطر هزینه‌های ازدواج - عدم تمایل به ازدواج به خاطر حمایت از ازدواج برادران - سخت بودن برآورده کردن انتظارات و نیازهای زن و عدم ازدواج	روی گردانی از ازدواج

ازدواج در حالت دشوار: در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی، مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و دوره‌های بحران و رکود اقتصادی، ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتند یا منتفی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین تئوری‌ها در این زمینه تئوری «تورم رکودی» است. افزایش بحران‌های سیاسی و اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی، چون: حجم نقدینگی، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات بر سن ازدواج جوانان تأثیر منفی داشته و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی بر سر راه ازدواج آنان به وجود آورده است (بهنام، ۱۳۴۸: ۲۲ به نقل از طاهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). جوانان نمونه پژوهش به خاطر این که از لحاظ موقعیت اقتصادی در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برند به تبع در امر ازدواج هم با مشکلاتی نظیر شرایط شغلی دشوار و عدم شرایط مناسب برای ازدواج آگاهانه، زندگی مشترک با خانواده همسر، عدم توانایی مالی برای تهیه جهیزیه و کمک اعضای خانواده و یا فامیل در این زمینه، عدم دارا بودن کار و حقوق معین خواستگاران (به همین سبب داشتن حقوق ثابت شرط ازدواج و شروع زندگی محسوب می‌شود)، تأثیر وضعیت فرهنگی و اجتماعی نامناسب محلاتی که زندگی می‌کردند بر اقدام به ازدواج خواستگاران مناسب و... روبرو بودند. به همین سبب این جوانان یا تجرد در پیش گرفته و یا در صورت ازدواج در حالت دشواری زندگی را آغاز کرده بودند. به طور مثال افشین ۳۸ ساله که شرایط دشوار شغلی موجب عدم ازدواج آگاهانه و به خاطر شرایط اقتصادی خانواده پدری موجب عدم استقلال و زندگی مشترک با خانواده و در نهایت از عوامل طلاق از همسرش شده در این خصوص چنین می‌گوید:

«اون موقع که شغلم به جوری بود که ۲۰ روز اهواز بودم به خاطر شغلم ۱۰ روز کرمانشاه؛ به خاطر همین فرصت نشد که (با خانواده همسر) رفت‌وآمد داشته باشیم و شناخت کامل داشته باشیم ... به مورد دیگه هم بود من نمی‌تونستم مستقل باشم. چون کمک‌خرج خانواده بودم و با کسی هم نمی‌خواستم ازدواج کنم که بیاد تو به خانه با خانواده‌ام زندگی کنه.»

ازدواج فقیرانه: برخی دیگر از این جوانان به فکر تأمین هزینه‌های ازدواج از طریق گرفتن قرض از دوستان و آشنایان و یا بر روی اخذ وام ازدواج، وام‌های دیگر و مساعدت‌های اندک خانواده حساب کرده بودند؛ و با در پیش گرفتن برخی استراتژی‌ها مانند عدم برگزاری مراسم ازدواج و یا برپا کردن ساده و مختصر مراسم، خرید جهیزیه به صورت اقساطی، استفاده از اتاق خالی منزل اقوام و آشنایان برای شروع زندگی و... سعی در کاهش هزینه‌ها داشتند؛ این گروه از جوانان برخلاف گروه اول تا حدی قادر به تأمین هزینه‌های ازدواج با سختی و مشقت بودند. به طور مثال آرمان ۳۶ ساله در پاسخ به سؤالات چنین می‌گوید:

«اگر از کسی خورشت آمد و اینکه باید چند تکه از جهیزیه را هم بخری چه کار می‌کنی؟ می‌روم قسطی می‌آورم. تنها راهش این است؛ و یک سودی روش می‌کشند و قسط‌بندی‌اش می‌کنند. برای خرج و مخارج مراسم عروسی چه کار می‌کنی؟ من برای عروسی خواهرهایم، مادرم گفتم: هیچ اجباری نیست عروسی بگیرد. هرچه قدر می‌توانید از هزینه‌ها کم کنید و فقط یک مهمانی کوچک گرفتند. بالای هم ۲۰ الی ۳۰ نفر مهمان داشتند. من هم همین کار را انجام می‌دهم.»

ازدواج کارکردگرایانه: نگاه اقتصادی به پدیده ازدواج ابتدا توسط بکر^۱ (۱۹۷۳) تئوریزه شد که بر مبنای آن، ازدواج مانند سایر رفتارهای اقتصادی، یک مدل «حداکثر سازی مطلوبیت» به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، ازدواج به وقوع می‌پیوندد، اگر و فقط اگر مطلوبیت دو طرف بر اثر این ازدواج افزایش یابد. در این چارچوب همه عواملی که می‌تواند بر رفتار و تصمیم به ازدواج افراد تأثیر بگذارد، از نگاه مطلوبیت و منافع حاصل از ازدواج، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد (ضرابی و مصطفوی: ۱۳۹۰: ۳۸).

یکی از عمده مسائلی که جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه که مورد مصاحبه قرار گرفتند، مسئله ازدواج و تهیه جهیزیه و نوع نگاه منفعت‌گرایانه بعضی از این جوانان به مقوله ازدواج بود که از وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان متأثر می‌شد. این دسته از

جوانان با رویکردی منفعت‌گرایانه به دنبال رسیدن به منافع و رویاهای خود از طریق ازدواج با دختران دارای تمکن مالی یا دارای مسکن و وسایل زندگی بودند؛ این جوانان عمدتاً دارای دیدگاه گروه نخست بودند که پیشتر بدان اشاره شد ولی با این تفاوت که اینان می‌خواهند به‌واسطه وضعیت مالی مساعد همسر به راحتی تشکیل خانواده بدهند. به‌طور مثال احمد ۲۷ ساله در این باره چنین می‌گوید:

«هزینه‌های خرید جهیزیه را از کجا می‌آوری؟ ازدواج نمی‌کنم. چرا؟ اگر دختری پول‌دار باشد ازدواج می‌کنم.»

و یا امید ۳۲ ساله چنین اظهار نظر می‌کند:

«می‌روم همسری انتخاب می‌کنم که خانه داشته باشد.»

روی گردانی از ازدواج: هریک از این جوانان در مواجهه با مسئله ازدواج استراتژی خاصی در پیش گرفته بودند: برخی با یاس و ناامیدی از ازدواج روی گردان شده بودند که این نوع استراتژی بیش‌تر در میان جوانانی دیده شد که به بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین هزینه‌های جهیزیه، مراسم عروسی و شروع زندگی خوش‌بین نبودند و بدون پشتوانه و حامی اقتصادی و مالی بودند. به‌طور مثال چیم ۲۵ ساله در این خصوص چنین می‌گوید:

«خوب طبیعتاً برای دختر سخته که سرش پایین بیفته به خاطر هزینه‌های ازدواج و سعی می‌کنه وارد قضیه ازدواج نشه که تا سالهای سال طعنه بشنو.»

و یا رضا ۳۰ ساله چنین می‌گوید:

«برای هزینه‌های ازدواج: جهیزیه و ... چه کار می‌کنید؟ چون به این چیزها فکر کردم اصلاً قصد ازدواج ندارم؛ یعنی به خاطر این هزینه‌ها کلاً بی‌خیال ازدواج شدید؟ آره، بی‌خیال شدیم. حالا اگر کسی را دیدید که خوشتون اومد چطور؟ مجبوریم خوشمان نیاد. دیگه چه کار کنیم.»

حرمان و حسرت تحصیل

یکی از اهداف تحقیق حاضر، آگاهی از استراتژی‌های جوانان در زمینه تحصیل و مسائل آموزشی است. جدول ۳، دربرگیرنده مضمون اصلی حرمان و حسرت تحصیل است. مسائل مالی جوانان و انصراف آن‌ها از تحصیل، تعصبات فرهنگی و ممانعت از تحصیل به‌ویژه برای دختران، تحصیل به نیت و شوق اشتغال و بی‌کارکرد شدگی تحصیل در بازار، مواردی است که در مقام مضمون اصلی مربوطه بودند.

جدول ۳: مقوله حرمان و حسرت تحصیل بر حسب مقوله‌های تشکیل‌دهنده

مقوله	مفاهیم	مقولات خرد
	کار به‌جای تحصیل به دلیل بی‌فایده دانستن تحصیل _ عدم پشتوانه مالی و حامی برای ادامه تحصیل - انصراف از تحصیل به خاطر آینده شغلی رشته تحصیلی و هزینه‌های زندگی - انصراف از تحصیل و رفتن به سربازی برای ورود سریع‌تر به بازار کار و تأمین مخارج خانواده - رها کردن تحصیلات دانشگاهی به خاطر فقر	مسائل مالی و انصراف از تحصیل
	تأثیر تعصبات قومی در عدم اجازه به ادامه تحصیل فرزند در شهرهای دیگر - عدم اجازه ادامه تحصیل به دلیل سنتی بودن خانواده	تعصبات فرهنگی و ممانعت از تحصیل
	اهمیت یافتن تحصیل در جامعه برای استقلال مالی به‌واسطه پیدا کردن شغل مناسب - درآمدزایی بعضی رشته‌های دانشگاهی (آمار و ...) و عدم	تحصیل گرایی معیشت محور

مقوله	مفاهیم	مقولات خرد
حرمان و حسرت تحصیل	نیاز به سرمایه مالی برای کار به واسطه تحصیلات - هدف از ادامه تحصیل: پیدا کردن شغل و موقعیت اجتماعی بهتر - تأثیر تحصیلات بر انتخاب مشاغل و نحوه امرارمعاش	
	عدم ارزیابی و آینده‌نگری واقع بینانه از رشته تحصیلی برای اشتغال - عدم تطابق رشته تحصیلی با نیاز بازار کار - تأسف از انتخاب رشته صرفاً به دلیل علاقه و باهدف معلمی و نه نیاز بازار کار	بی کارکرد شدگی تحصیل در بازار
	ذوق ادامه تحصیل علیرغم حمایت اندک متولیان امر - به دنبال رشته دانشگاهی با هزینه کمتر و بهتر - باور به تحصیل برای افراد باهوش و کار برای افراد دارای بهره هوشی کمتر - عدم امکان تحصیل به خاطر معلولیت ناشی از تصادف - سطح تحصیلات پایین دلیل عدم استخدام - استفاده از کمک‌هزینه‌های تحصیلی و درمانی رایگان در حوزه علمیه - انجام کارهای خدماتی مدرسه توسط مادر به جای هزینه شهریه تحصیل فرزندان - عدم علاقه به رشته تحصیلی و عدم ادامه تحصیل - بالا رفتن توقعات خانواده از کار فرزندان با بالا رفتن سطح تحصیلات فرزندان	چالش‌های ادامه تحصیل

در خصوص مقوله حرمان و حسرت تحصیل می‌توان به نظریه موقعیتی فقر^۱ اشاره کرد. این نظریه تفاوت رفتارهای فقرا را به دلیل نداشتن منابع و فرصت‌های انطباق با شیوه‌های طبقه متوسط توضیح می‌دهد. برای مثال مردم فقیر فرصت‌های اندکی برای رفتن به دانشگاه داشته و ترک تحصیل می‌کنند. نظریه موقعیتی باوجودی که به شرایط ساختاری فقر اهمیت می‌دهد، اما بر پاسخ‌های فردی به موقعیت عینی فقر تمرکز می‌یابد. (شیانی، ۱۳۸۴: ۷۵) بر مبنای این نظریه می‌توان گفت که شرایطی چون کمی درآمد، بی‌کاری، بیماری، بی‌سوادی و بی‌سرپرستی که مشخصه اصلی خانوارهای فقیر به خصوص خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد است، آنان را قهراً دچار نوعی بی‌اعتمادی، عدم مشارکت، کاهش روابط و تضعیف پیوندهای اجتماعی می‌کند. (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۵) یکی از مسائل حائز اهمیتی که اغلب مصاحبه‌شوندگان دارای تحصیلات دانشگاهی بدان دچار بودند این بود که علیرغم شرایط نامساعد اقتصادی و نیاز به شغل، عدم آینده‌نگری در خصوص انتخاب رشته متناسب با نیازهای بازار کار داشتند که در ستون مقولات خرد با عنوان «بی کارکرد شدگی تحصیل در بازار کار» و در ستون مقابل مفاهیم مرتبط با آن اشاره شده است؛ به‌طور مثال شیرین ۲۲ ساله در این خصوص چنین می‌گوید:

«وقتی که وارد رشته شدم به‌هرحال متوجه شدم بازار کار ندارد. بالاینکه می‌دونستید بازار کار ندارد ولی ادامه دادید؟ بله متأسفانه»

یا نگین ۳۲ ساله با مقصر دانستن مشاوره اشتباه اطرافیان و با ابراز تأسف چنین می‌گوید:

«من می‌تونستم ۴ سال پشت کنکور بمانم ولی رشته‌ای را انتخاب کنم که از همان ابتدا درآمدزایی خاصی را داره و دولتی باشه.

ولی ماها این‌طور نبودیم. انتخاب خودم بوده. البته انتخاب‌های من هم ناشی از شرایطی بوده که به من نشان دادن. از زیر سنگ که پیدا نکردم یه دورنمای واهی بوده که خیلی واقعی نبود. بد به ما القاء کردن.»

و روناک ۳۰ ساله درباره عدم آگاهی راجع به بازار کار رشته تحصیلی خود در هنگام انتخاب رشته چنین می‌گوید:

«خب اون موقعی که ما انتخاب رشته کردیم آگاهی نداشتیم که این رشته بازار کار نداره فکر می‌کردیم رشته‌ای بریم دانشگاه ملی و هزینه‌ای نکنیم برایش، بعدش هم کار برات پیدا می‌شه، اما دیگه نشد.»

از مسائل مهم در زمینه تحصیل، انصراف از تحصیل به خاطر شرایط نامناسب مالی و لزوم ورود سریع‌تر به بازار کار و تأمین خرج و مخارج خانواده است. رضا ۳۰ ساله دارای چنین شرایطی می‌باشد:

«حتی دانشگاه دولتی هم قبول می‌شدم فرقی نمی‌کرد چون مجبور می‌شدم باز انصراف بدم. بالاخره باید کار می‌کردم خرج خانه و ... هم بود. دیدم که من بهتر ادامه ندم و برم خدمت سربازی و شروع به کار بکنم. دو دوتای که پیش خودم کردم گفتم حالا که بخوام تحصیل تمام بکنم بعد بخوام برم خدمت سربازی و در سن ۳۰ سالگی تازه شروع می‌کردم به کار کردن، نمی‌شد.»

چیمن ۲۵ ساله در خصوص ترک تحصیل به خاطر فقر مالی خانواده چنین می‌گوید:

«من سال ۹۱ بالاترین نمرات را در درس‌های تخصصی حسابداری داشتم. پس چرا ادامه تحصیل ندادید؟ شرایط مالیش پیش نیامد که بتونم ادامه بدم.»

پروین ۳۰ ساله نیز این چنین از ترک تحصیل خود به خاطر فقر مالی می‌گوید:

«من دانشگاه هم رفتم ولی به خاطر اینکه پول نداشتیم که حتی کتاب‌هایم را بخرم رها کردم.»

استراتژی تأمین مسکن

با پرس‌وجو از مشارکت‌کنندگان جوان در مورد چگونگی تأمین مسکن سه مضمون خرد مرتبط با آن شکل گرفت ما این سه زیر مضمون را سرپناه محقر و بی‌کیفیت، استمداد برای تأمین مسکن، تبادل خدمات برای تأمین سرپناه نام‌گذاری کرده‌ایم.

جدول ۴: مقوله استراتژی تأمین مسکن برحسب مقوله‌های تشکیل‌دهنده

مقوله	مفاهیم	مقولات خرد
استراتژی تأمین مسکن	زندگی در خانه‌های نامناسب به دلیل شرایط مالی نامساعد - سکونت در مسکن مهر - زندگی ۴ خانوار در یک‌منزل - اجاره زیرزمین برای رسیدن به خرج - زندگی در یک اتاق خالی خانه مادر بزرگ در زمان ورشکستگی پدر - خرید خانه در محله نامناسب به‌واسطه دستمزد پدر از کار در بندر - جابجایی مکانی به محلات حاشیه‌ای و آسیب خیز به دلیل ورشکستگی پدر و عدم وسع مالی - مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای شهر که مخارج به نسبت ارزان‌تر و دارای قابلیت پس‌انداز است - زندگی مشترک (دو خانواده) در یک‌خانه کوچک - اجبار در فروش خانه برای پرداخت بدهی‌های همسر و زندگی در زیر زمین - عدم امکانات رفاهی خانه محل زندگی	سرپناه محقر و بی‌کیفیت
	کمک مادر برای پرداخت کرایه منزل - کمک عمو (ساکن خارج از کشور) برای تأمین اجاره - خرید اقساطی مسکن مهر - قرض گرفتن از اقوام و آشنایان برای خرید مسکن مهر و بازپرداخت به‌صورت خرد - خرید مسکن مهر با درخواست از رئیس‌جمهور و مساعدت ایشان - انجام کار و پس‌انداز سپس خرید زمین و ساخت خانه با قرض و دادن چک همچنین اشتغال برادران در تهران و پرداخت چک‌ها - وسعت دادن به خانه کوچک با فروش طلاهای زن برادر و خرید خانه کوچک بغل‌دستی و اضافه نمودن آن - به اجاره گرفتن خانه از پدر به خاطر عدم توان مالی پدر و تحت پوشش بهزیستی بودن - خرید خانه به‌واسطه اعطای زمین از طرف شهرداری به پدر در شهرستان - قرض گرفتن از دوست، همسایه و فامیل برای پرداخت اجاره خانه و پس دادن قرض‌ها با فروش محصولات خانگی - اجاره کردن یک طبقه از خانه برادر بدون کرایه و رهن اندک - گرفتن وام برای رهن خانه سپس خرید خانه و بازسازی آن - اسکان در خانه برادر به دلیل غیرت برادرانه - سکونت در خانه پدری - شراکتی بودن خانه پدری محل زندگی با برادرزاده از برادر فوت‌شده	استمداد برای تأمین مسکن
	اسکان در مسجد محله به‌عنوان خادم و عدم پرداخت هزینه مسکن - اجاره دادن زمین کشاورزی برای تأمین رهن خانه محل سکونت - تأمین هزینه‌های اجاره خانه با کار در تالار پذیرایی	تبادل خدمات برای تأمین سرپناه

پیران در خصوص مسکن شهری و اسکان غیررسمی در ایران می‌گوید با ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی یا اجتماعات آلونکی، تهیدستان غیر متشکل شهری و لایه‌های زیرین گروه‌هایی که مسامحتاً طبقه متوسط خوانده می‌شوند، سرپناهی به کف می‌آورند و به مهم‌ترین آرزوی خود یعنی حذف هزینه مسکن از سبد هزینه‌های خانوار دست می‌یابند که سبب وضعیت بهتر تغذیه و پوشاک بخشی از آنان می‌شود. با پیدایش چنین سکونتگاه‌هایی، سایر تهیدستان شهری که قادر به تملک سرپناه نیستند، مکان‌های اجاره‌ای به دست می‌آورند و به‌رحال شب زیر سقفی سر بر بالین می‌نهند (پیران، ۱۳۷۶: ۴۴).

مسئله تأمین سرپناه یکی از مهم‌ترین معضلات و چالش‌هایی بود که مصاحبه‌شوندگان این پژوهش با آن روبرو بودند. بعضی از مصاحبه‌شوندگان در محلات محروم شهر کرمانشاه در خانه‌های کوچک و فاقد امکانات رفاهی به‌سختی زندگی می‌کردند؛ و بعضی دیگر به دلیل عدم توان مالی برای پرداخت کرایه مجبور به مهاجرت به محلات محروم و حاشیه‌ای شهر (به نسبت کرایه ارزان‌تر ولی دارای وضعیت نامساعد برای زندگی) شده بودند. همچنین عده‌ای دیگر با اخذ قرض، اخذ وام، دریافت کمک از اقوام و آشنایان به‌سختی کرایه محل زندگی را تأمین می‌کردند و تنها به دنبال حفظ وضع موجود بودند و نمی‌خواستند شرایط زندگی‌شان نامساعدتر شود. به‌طور مثال روناک ۳۰ ساله در خصوص خانه کوچکی که دو خانواده در آن زندگی می‌کردند؛ چنین می‌گوید:

«ما خونمون کوچک بود دوساله یکم بزرگ‌شده، توی این ۱۱ ساله کوچک بود؛ و دو خانواده (همراه برادر، همسر برادر و فرزندش) باهم زندگی می‌کردیم.»

رضا ۳۰ ساله در خصوص عدم توان پرداخت کرایه و مهاجرت به محله با کرایه ارزان‌تر چنین می‌گویند:

«دیگه هزینه‌های کرایه‌خانه خیلی بالا بود دیگه نمی‌صرفید. به خاطر این آدم بالای شهر که به محل کارم نزدیک‌تر بود که هم کرایه ماشین یه بخشی و هم برای پرداخت کرایه‌خانه راحت‌تر باشم اما دیگه دیدم کرایه‌ها از اون حد استاندارد که داره می‌زنه بالا، دوباره برگشتم شمال کرمانشاه محله چپاکو.»

و یا طاهره ۳۸ ساله در مورد گرفتن قرض از آشنایان برای تأمین رهن و کرایه‌خانه و همچنین وضعیت نامساعد محل زندگی‌اش این چنین می‌گوید:

«همین امسال برای رهن خانه‌ام مجبور شدم از هر کدام از برادر و خواهرهایم ۵۰۰ الی ۱ میلیون تومن قرض بگیرم... بعضی اوقات ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومن برای کرایه‌خانه کم می‌آورم باید قرض بگیرم از دوست و یا همسایه‌ای. ده روزی قرض می‌گیرم و می‌گویم من این سبزی را آورده‌ام خردکنم و پاک‌کنم پولش را بگیرم قرض شما را پس می‌دهم. حالا در یک خانه ۴۰ متری زندگی می‌کنم که دو تا اتاق است. حساب کنید من با دو بچه کوچک باید توی این اتاق‌ها آشپزی کنم، پذیرایی کنم، حمام تاریک و چالی دارد و هیچ‌گونه امکانات رفاهی ندارد.»

فقر غذایی و خارج شدن خوراک باکیفیت از سفره جوانان

از مهم‌ترین جنبه‌های مرتبط با معیشت و بقای جوانان به خوراک، تغذیه و شیوه‌های تأمین آن برمی‌گردد. جدول ۵ به مقوله فقر غذایی و خارج شدن خوراک باکیفیت از سفره جوانان مورد مطالعه اختصاص دارد. دو زیر مضمون سبد غذایی ارزان و استمداد برای تأمین تغذیه این مقوله را تشکیل داده است.

جدول ۵: مقوله فقر غذایی و خارج شدن خوراک باکیفیت از سفره جوانان برحسب مقوله‌های تشکیل دهنده

مقوله	مفاهیم	مقولات خرد
فقر غذایی و خارج شدن خوراک باکیفیت از سفره جوانان	مدیریت هزینه‌ها با استفاده از غذاهای ساده‌تر و ارزان‌تر و کاهش مصرف بعضی از اقلام مثل گوشت - اختصاص هزینه کمتر برای خوردوخوراک و مدیریت مخارج - تغذیه به سمت حبوبات - حذف میوه و گوشت قرمز - استفاده از برنج ارزان‌تر (تایلندی) - خرید میوه درجه دوم و لکه‌دار از دست‌فروش‌ها - صبحانه با چای شیرین و نان به‌جای حذف وعده به خاطر ضعف پسر کوچک - عدم حذف وعده‌های غذایی و تقلیل یک وعده غذایی به غذاهای سبک‌تر و دم‌دستی - حذف یا کاهش اقلام گوشتی وابسته به توان مالی و کمک دیگران - کاهش سهم مواد غذایی گران‌قیمت در سبد مواد غذایی خانوار - حذف صبحانه از وعده‌های غذایی و گوشت قرمز از سبد معیشتی (مگر به‌صورت نذری) ارزانی معیار انتخاب خوراک - حذف هزینه‌های خوراکی غیرضروری مثل آجیل - به قاعده مصرف کردن و دوری از ریخت‌وپاش در مصرف غذا - حذف یا کاهش اقلام پروتئینی گران‌قیمت مثل گوشت - حذف یا کاهش خرید میوه یا خرید میوه‌های درجه دوم و سوم	سبد غذایی ارزان
	تأمین هزینه‌های خوردوخوراک با استفاده از پس‌انداز مادر شوهر - خرید قسطی مایحتاج خوردوخوراک خانواده از فروشگاه‌های آشنا - حمایت نهادهای حمایتی (بهزیستی - کمیته امداد) برای تأمین سبد غذایی - پول یارانه برای خرید دو کیسه برنج - کمک غذایی یکی از برادران - تأمین وعده‌های غذایی ناهار و شام از طریق غذاهای تالار (محل کار)	استمداد برای تأمین تغذیه

دسترسی به غذا و قدرت خرید مردم عواملی مهم در زمینه امنیت غذایی محسوب می‌شوند. امنیت غذایی نخستین اصل برای حفظ سلامت افراد جامعه است تا بتوانند نقش خود را به‌عنوان عنصر اصلی توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایفا کنند. اکثر مصاحبه‌شوندگان به خاطر فقر و درآمد پایین خانوار برای تأمین حداقل هزینه‌های اقلام غذایی مصرفی روزانه خانواده خود دچار مشکل بودند و به همین منظور برای مدیریت هزینه‌های خانواده راهبردهایی را به کار می‌گرفتند تا بتوانند به خرج و مخارج روزانه خود برسند. ازجمله این راهبردها می‌توان: استفاده از غذاهای ساده و ارزان‌تر (خرید از محل‌های ارزان) و تقلیل یک وعده غذایی به غذاهای سبک‌تر و دم‌دستی، کاهش مصرف بعضی از اقلام مثل گوشت و مواد پروتئینی، اختصاص هزینه کمتر برای خوردوخوراک و مدیریت مخارج و هزینه‌ها، تأمین خوردوخوراک از طریق خانواده همسر، خرید قسطی مایحتاج خوردوخوراک خانواده، بهره‌گیری از حمایت نهادهای حمایتی (بهزیستی - کمیته امداد) برای تأمین سبد غذایی و... اشاره کرد. در این زمینه هادی ۲۳ ساله چنین می‌گوید:

«والا ما غذاهای ساده مثلاً نیمرو زیادتر استفاده می‌کنیم به خاطر این که ارزان‌تر است. سیب‌زمینی و گوجه، آش و عدسی. گوشت خیلی کم مصرف می‌کنیم و دلیل آن منطقی است که خیلی گران است و در توانمان نیست که بخریم البته خیلی کم می‌خریم یک هفته اصلاً مرغ توی خانه نداریم و اون یک هفته را با همین حبوبات و غذاهای ساده سر می‌کنیم. تا یارانه‌ای به حسابمان بیاید و یا پدرم اون روز فروش خوبی داشته باشد.»

یا پروین ۳۰ ساله این‌چنین در خصوص سبد غذایی ارزان مصرفی ماهیانه خانواده خود می‌گوید:

«گوشت قرمز را حذف کردیم، مرغ یک الی دو بار ماهیانه و یک ماه هم هست که نخریدیم. مصرف گوشت ماهی هم حذف کردیم، حبوبات هم گران است. بیشتر سیب‌زمینی، برنج تایلندی ارزان‌تر است اون را بیشتر مصرف می‌کنیم. تخم‌مرغ بیشتر پدرم می‌خورد و با گوجه مصرف می‌کنیم.»

استراتژی استقراض

جدول ۶: مقوله استراتژی استقراض برحسب مقوله‌های تشکیل‌دهنده

مقوله	مفاهیم	مقولات خرد
استراتژی استقراض	ترجیح بر قرض نگرستن به خاطر به وجود آمدن دلخوری‌های احتمالی - دید منفی نسبت به قرض گرفتن و قسطی خرید کردن - حذف بعضی از نیازها و خواسته‌ها به جای قرض کردن و یاد دادن به فرزندان - ترجیح خرید نقدی بجای اقساطی و قرضی - جریحه دار شدن غرور هنگام قرض گرفتن و تحمل سختی علیرغم توانایی برای قرض گرفتن از اطرافیان - بد دانستن قرض گرفتن طولانی مدت - ترجیح وام گرفتن و کار کردن در برخورد با مشکلات مالی بجای قرض گرفتن	پنداشت منفی از بدهی
	ترجیح قرض گرفتن از دوستان بجای فامیل به خاطر طعنه زدن - نداشتن خاطره خوب از قرض گرفتن از فامیل - مواجهه بهتر دوستان هنگام قرض گرفتن نسبت به فامیل - عدم تمایل فامیل به قرض دادن - سند خانه را به نام فامیل زدن بجای قرض گرفتن از آن‌ها - احساس راحت بودن در گرفتن قرض از غریبه‌ها	استقراض: ترجیح دوستان به خویشاوندان
	قتل برای پس گرفتن قرض - فشار آوردن به خانواده از طریق قناعت کردن برای پس دادن قرض - قرض گرفتن کتاب‌های درسی کنکوری - قرض گرفتن تا فصل رونق کار پدر - خرید اجناس مورد نیاز به صورت قرضی با گرو گذاشتن کارت ملی - قرض گرفتن از افراد مذهبی مسجد در صورت نیاز تا سر ماه - خرید اقساطی و قرضی مردم با وضع درآمدی ضعیف و در نتیجه ورشکست شدن کسبه - قرض گرفتن برای تأمین مخارج پذیرایی از مهمانان - قرض برای تأمین هزینه‌های درمان والدین - قرض برای تأمین مخارج بیمارستان و مراسم وفات مادر - عدم توانایی بازپرداخت قرض به خاطر مصرف مواد مخدر توسط همسر - قرض گرفتن برای قمار به امید جبران ضرر	زیست‌نسیه‌ای و مسائل آن

در جدول ۶، استراتژی استقراض به عنوان مقوله اصلی تحقیق وجود دارد. همان‌طور که خرده مضامین نشان می‌دهند در میان مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر قرض گرفتن از دیگران همراه است با نوعی پنداشت و مناسبات اجتماعی خاص همانند پنداشت منفی از بدهی، استقراض: ترجیح دوستان به خویشاوندان و زیست‌نسیه‌ای و مسائل آن.

به نظر رابرت چمبرز^۱، مردم در پی حفظ و گسترش روابط شخصی خود هستند. مردم فقیر نیازمند شبکه‌هایی برای وام‌های کوچک می‌باشند. کسانی که دارای خانواده گسترده‌اند از شبکه‌های تعاون و حمایت برخوردارند. آنان که چندان از چنین روابطی برخوردار نیستند، مانند بسیاری از پناهندگان، افراد آواره و مهاجران تحت پوشش طرح‌های اسکان، مردمانی «بی‌کس» هستند. (آتال و اوین، ۱۳۷۹: ۵۶)

یکی از راهبردهای برآوردن نیازها و رفع مشکلات در بین جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه توسل به گرفتن قرض از اقوام و آشنایان یا دوستان در رویارویی با مشکلات بود. با این وجود بعضی از نمونه‌های مورد مطالعه علیرغم مشکلات اقتصادی عدید، تحمل کمبودها و حذف بعضی از نیازها را به گرفتن قرض از دیگران ترجیح می‌دادند؛ کژال ۲۷ ساله از جمله این افراد است که در این زمینه چنین می‌گوید:

«قرض کردن برایم سنگین است قرار نیست که خودم یا بچه‌ام هر چه دوست دارند بخریم و در عوض قرض کنیم. به بچه‌هام فهماندم که باید یک سری چیزها را حذف کنید تا بتوانید روال زندگی را طی کنید.»

یا نگین ۳۲ ساله در خصوص عدم عادت به گرفتن قرض و در صورت نیاز، اخذ قرض‌های کوتاه‌مدت و زود تسویه کردن آن‌ها چنین می‌گوید:

«قرض نگرفتیم ولی از مغازه‌داری که آشنا بوده جنسی را آوردیم ولی این جور نبود که پولش را نگه‌داریم عادت قرض کردن در زندگی نداشتیم. البته نه نسیه‌ای که مدت‌ها طول بکشد سعی کردیم ظرف چند روز تسویه کنیم. اگر شرایط پیش‌آمده که قرض کردیم با اولین پولی که به دستمان رسیده و در اولین فرصت تسویه کردیم.»

آرمان ۳۶ ساله ترجیح می‌دهد به خاطر پیش نیامدن دلخوری و کدورت از کسی قرض نگیرد و در این زمینه چنین می‌گوید:
«ترجیح می‌دهم قرض نگیرم چون اگر نتوانم پس بدهم کلی دلخوری ایجاد می‌شود. فقط یک‌بار برای این که پول کم نیاورم از دوستم قرض گرفتم و کم هم نیامد و پولش را پس دادم.»

چیمن ۲۵ ساله یکی از نمونه‌هایی است که با قناعت کردن، اهتمام جدی در پرداخت به‌موقع قرض‌های گرفته‌شده از دیگران دارد؛ و در این زمینه چنین می‌گوید:

«ما سعی کردیم و به زندگی خودمان فشار آوردیم و با قناعت کردن قرض مردم را سر موعد پس بدهیم. چطوری قناعت کردید؟ لباس ارزان‌تر، میوه یا گوشت قرمز را حذف می‌کنیم برنج تایلندی استفاده می‌کنیم، لباس و یا رفتن به مسافرت را حذف می‌کنیم. تا بتوانیم سربلند و با آبرو زندگی کنیم. چون الآن هرکسی مشکلات خاص خودش را دارد با این شرایط سخت زندگی.»
مریم ۳۶ ساله از دیگر مصاحبه‌شوندگان در مورد عدم اخذ قرض از فامیل و آشنایان به خاطر برخورد ناپسند آن‌ها، چنین می‌گوید:
«بخوای قرض بگیری یه جوری طرف جوابت را می‌دهد که آدم از خجالتی واقعاً با خودت می‌گی ای کاش نمی‌گفتم یا اگر قرض بدهند با منت و این‌طور چیزها می‌دهند آدم دوست نداره قرض کنه. یه دانه هزار تومنی هم برای خودم نمی‌خوام قرض کنم.»

راهبردهای سیال معاش

جدول ۷: مقوله راهبردهای سیال معاشی برحسب مقوله‌های تشکیل‌دهنده

مقولات خرد	مفاهیم	مقوله
معاش سیال و نایمن	فصلی بودن بعضی مشاغل مثل زنبورداری - رها کردن کار مکانیکی به خاطر عدم توان پرداخت کرایه مغازه و سنگین بودن کار و پرداختن به کار اسنپ - قصابی در خیابان و ممانعت شهرداری و تغییر شغل به ضایعاتی - تجربه کاری متعدد در شرکت، فروشنده‌گی، ثبت پرونده قضایی برای وکلا - تجربه کاری در محیط‌های متعدد و عدم درآمد مناسب - اشتغال به کارهای متعدد با توجه به رونق بازار آن کار	راهبردهای سیال معاش

جدول ۷، شامل مقوله راهبردهای سیال معاش است که در ستون مقولات خرد: معاش سیال و نایمن وجود دارد. از آنجاکه معمولاً جوانان محلات محروم برحسب اقتضای زمان و شرایط نابسامان اقتصادی که در آن قرار دارند از راهبردی به راهبرد دیگر برای امرار معاش می‌لغزند؛ برای همین، عنوان «راهبردهای سیال معاش» را برای این مقوله برگزیدیم.

به نظر رابرت چمبرز، برخلاف پیش‌داوری متداول حرفه‌ای، وسیله معیشت بیشتر افراد فقیر معمولاً متنوع و اغلب پیچیده است. این واقعیت را قیاس جوجه‌تیغی و روباه و ضرب‌المثلی که می‌گوید: «روباه ایده‌های زیادی دارد، لیکن جوجه‌تیغی یک ایده بزرگ دارد» به‌خوبی روشن می‌کند. اغلب کارکنان تمام‌وقتی که در شمال و در بخش‌های صنعتی جنوب، یافت می‌شوند در زمره جوجه‌تیغی‌هایی هستند که یک شغل و یک منبع کمک دارند. جوجه‌تیغی‌های دیگر، آن مردم فقیر، ضعیف، بیچاره یا استثمارشده‌ای هستند که چیزی جز یک استراتژی برای بقا ندارند. بردگان و کارگران موظف و بسیاری از (هرچند نه همه) آنان که کارگر غیرثابت هستند و وابسته به یک تأمین‌کننده، خریدار واحد هستند؛ دست‌فروشان، متکدیان و سایر دارندگان این قبیل مشاغل؛ اما بیشتر مردم

فقیر جنوب و اکنون مردم فقیر بیشتری در شمال، در زمره روباهان هستند. آنان دارای یک منبع کمک هزینه نیستند، بلکه از چندین منبع کمک هزینه برخوردارند. چنته آنان پر از فعالیت‌هایی است که به اتفاق اعضای مختلف خانواده انجام می‌دهند و همواره به شیوه‌های گوناگون در مکان‌های مختلف و در ایام متفاوت سال در حال جستجو و یافتن منابع مختلف غذا، سوخت، علوفه، پول نقد و پشتیبانی هستند. زندگانی آنان بدون پیش‌بینی قبلی و از طریق قابلیت‌های معیشتی‌شان، با استفاده از دارایی‌های محسوس به شکل ذخایر و منابع و از طریق دارایی‌های غیر محسوس به شکل مطالبات و راه‌های دسترسی ادامه پیدا می‌کند. زیرکی و فرصت‌طلبی مردم فقیر، تنوع و پیچیدگی معیشت و استراتژی‌های بقایشان را می‌توان از طریق مورد کاوی ها و توضیحات انسان‌شناس‌های اجتماعی و دیگران نشان داد (آتال و اوین، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۰).

با توجه به اینکه تجربه مشاغلی که جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه بدان مشغول می‌باشند، ثابت نیست و غالباً به صورت روزانه فعالیت می‌کنند و روزمزد هستند یا به طور فصلی‌اند، یا وابسته به رونق و یا رکود بازار می‌باشند، یا به هر دلیلی بعد از مدتی عذر فرد را می‌خواهند به همین سبب این دسته از جوانان اکثراً تجربه مشاغل متنوع و متغیر را دارا می‌باشند و چون بعضاً خرج و مخارج خانواده (پدر و مادر و یا به همراه خواهران و برادران کوچک و یا مجرد) را هم باید تأمین کنند و دارای منابع پس‌انداز خاصی نیز نمی‌باشند برای همین مجبورند به مشاغل مختلف و بعضاً با درآمد اندک و دارای شأن اجتماعی پایین بپردازند. راهبردهای بقا در شرایط سیال و ناپایدار، متضمن این عقیده است که گرچه فقرا بی‌قدرت‌اند، اما نمی‌نشینند تا کسی سرنوشت حیاتشان را رقم بزند؛ بلکه در تضمین بقای خود فعال‌اند (بیات، ۲۰۱۰). به طور مثال در این زمینه محمد ۳۷ ساله از تجربه زیسته خود در کارهای مختلف این چنین می‌گوید:

«دست‌فروشی کردم. آب انجیر، روسری، شمع و خیلی چیزهای دیگه فروختم. مثلاً شمع را دم عید می‌آوردم و هر کار فصلی که بود انجام دادم.»

یا روزین ۳۸ ساله که کارهای متنوع و متعددی انجام داده بود؛ در این باره چنین می‌گوید:

«قبلاً خونه مردم می‌رفتم نظافت انجام می‌دادم، یک سال تو شرکت بسته‌بندی ماست بودم، توی تالار هم کار کردم الان هم پرستار سالمندانم.»

رضا ۳۰ ساله که با توجه به رکود و رونق مشاغل در بازار کار، شغل‌های فراوانی را تجربه نموده در این خصوص چنین تجارب خود را با ما در میان می‌گذارد:

«والا ۱۰۰۱ شغل داشتم که بستگی به بازار داشته و مجبور می‌شدم یه وقت می‌دیدم مثلاً کار برق‌کشی یا کار ساخت‌وساز خوابیده دیگه اونقدر مشتری نیست مجبور می‌شدم شغلم را عوض کنم... از کارگری ساده بگیر تا آرماتوربندی، برق‌کاری، کارهای سیستم‌های حفاظتی، مدت زیادی آشپزی انجام داده‌ام و همچنین تو کار چوب بودم.»

و افشین ۳۸ ساله که حدود بیست سال سابقه فعالیت در کارهای متعدد و متنوعی را داراست؛ چنین می‌گوید:

«دست‌فروشی کردم. کارگر ساختمان بودم. در یک شرکتی بودم که کارهای تبلیغاتی انجام می‌داد. در بوفه دانشگاه کار کردم. بعد در شرکتی دیگر حدود ۶-۷ ماه کارت پخش می‌کردم اولین شغلی که داشتم این بود. حتی ۳-۴ ماه رفتگر شهرداری بودم. نگهبان پارکینگ بودم. در رستوران کار کردم. در شرکت استخراج نفت در اهواز چندین سال مشغول بودم. همچنین در کارگاه چوب مشغول بوده‌اند.»

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شهر کرمانشاه یکی از شهرهای بزرگ ایران است که روزبه‌روز به وسعت و جمعیت آن افزوده می‌شود و این امر باعث عدم دسترسی عادلانه همه شهروندان به خدمات و امکانات شهری در آن شده است به گونه‌ای که چهره فقر را می‌توان در برخی محلات این شهر به وضوح مشاهده کرد. این وضعیت در حالی است که استان کرمانشاه دارای موقعیت راهبردی جغرافیایی، جاذبه‌های گردشگری تاریخی و طبیعی، اقلیم متنوع، معادن غنی، نیروی انسانی جوان و... می‌باشد؛ اما متأسفانه بنا بر گزارش‌ها طی چند دهه اخیر یکی از استان‌های با بیشترین نرخ بیکاری و نرخ فلاکت بوده است. از سویی تأکید و پرداختن به مسئله فقر و مخصوصاً وضعیت معیشتی نامساعد و بیکاری جوانان این شهر از آن جهت حائز اهمیت است که این گروه سنی به‌طور کلی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند و خطر دائمی کشیده شدن به‌سوی مشاغل کاذب، فعالیت‌های تبهکارانه و خشونت‌آمیز و ناهنجاری‌های اجتماعی آن‌ها را تهدید می‌نماید که این معضل به‌نوبه خود هزینه گزافی را به هر نوع نظام اجتماعی- اقتصادی تحمیل می‌کند. به همین سبب، پژوهش حاضر درصدد است که دریابد جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه برای امرارمعاش و بقا (ازدواج، تأمین مسکن، آموزش و تغذیه) چه راهبردهایی را در پیش می‌گیرند؟

از جمله یافته‌های پژوهش می‌توان به «نگاه منفعت‌گرایانه و کارکردگرایانه به مقوله ازدواج» توسط عده‌ای از جوانان فرودست نمونه مورد مطالعه اشاره کرد. یکی از عمده مسائل جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه، مسئله ازدواج و تهیه جهیزیه است. عده‌ای از جوانان نمونه تحقیق حاضر، نگاهی منفعت‌گرایانه به مقوله ازدواج دارند که از وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان متأثر می‌شود. این دسته از جوانان با رویکرد و راهبردی منفعت‌گرایانه و به طمع تحرک اجتماعی و رسیدن به منافع و رؤیاهای خود از طریق ازدواج با دختران دارای تمکن مالی و یا دارای مسکن و وسایل زندگی، می‌خواهند به واسطه وضعیت مالی مساعد همسر به راحتی تشکیل خانواده بدهند و متحمل سختی‌های تأمین هزینه‌های سنگین تشکیل خانواده نشوند. «بی کارکرد شدگی تحصیل در بازار کار» یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش است. جوانان فرودست کرمانشاهی که با سختی و مشقت توسط خانواده و یا با پرداختن به کارهای متعدد، هزینه‌های تحصیل خود را تأمین کرده و دارای تحصیلات دانشگاهی (به عنوان یکی از راهبردهای بقا) بودند؛ علیرغم شرایط نامساعد اقتصادی و نیاز مبرم به شغل، با عدم آینده‌نگری در خصوص انتخاب رشته تحصیلی متناسب با نیازهای بازار کار مواجه و دارای مدارک دانشگاهی بودند که از لحاظ اشتغال و رفع نیازهای معیشتی برای آنان بدون کارکرد بود. نتایج پژوهش‌های با عنوان «نیازسنجی بازار کار و رابطه آن با اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها؛ مورد شیراز» (صنعت خواه، ۱۳۸۹)، «بررسی توانایی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در پاسخ به نیاز بازار کار به منظور ارائه یک چارچوب ادراکی مناسب» (بهروزی، ۱۳۸۴)، «مشکلات اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی» (ضرغامی، ۱۳۸۰)، «آموزش عالی و اشتغال در دانشگاه پس از انقلاب اسلامی» (صفری و همکاران، ۱۳۹۸) این یافته پژوهش را تأیید نمودند. همچنین نتایج پژوهش‌های اورلی و گوردن^۱ (۱۹۹۵) و فلورز (۲۰۱۵) این یافته پژوهش را تأیید نمودند؛ زیرا برخلاف یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، نمونه‌ها با افزایش تحصیلات و فراگرفتن مهارت‌های سوادآموزی وضعیت معیشت و بقای خود را بهبود می‌بخشند. ازجمله نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش «سرپناه محقر و بی‌کیفیت و اتخاذ راهبردهایی برای حفظ وضعیت موجود» توسط جوانان فرودست کرمانشاهی و خانواده‌های آنان بود. اکثر مصاحبه‌شوندگان با اتخاذ راهبردهایی نظیر اخذ قرض و وام، دریافت کمک از اقوام و آشنایان به سختی کرایه‌خانه‌های کوچک و فاقد امکانات رفاهی محل زندگی خود را تأمین می‌کردند. بعضی دیگر به دلیل عدم توان مالی برای پرداخت کرایه مجبور به توسل به

راهبرد مهاجرت به محلات محروم‌تر و حاشیه‌ای شهر (به نسبت کرایه ارزان‌تر ولی دارای وضعیت نامساعد برای زندگی) شده بودند. از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به «فقر غذایی و خارج شدن خوراک باکیفیت از سفره جوانان» مورد مطالعه اشاره نمود. اکثر مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش به خاطر فقر و درآمد پایین خانوار برای تأمین حداقل هزینه‌های اقلام غذایی مصرفی روزانه خانواده خود دچار مشکل بودند و به همین منظور برای مدیریت هزینه‌های خانواده راهبردهایی را به کار می‌گرفتند تا بتوانند به خرج و مخارج روزانه خود برسند. از جمله این راهبردها می‌توان: استفاده از غذاهای ساده‌تر و ارزان‌تر (خرید از محل‌های ارزان) و تقلیل یک وعده غذایی به غذاهای سبک‌تر و دم‌دستی، کاهش مصرف بعضی از اقلام مثل گوشت و مواد پروتئینی، اختصاص هزینه کمتر برای خوردوخوراک و مدیریت مخارج و هزینه‌ها، تأمین هزینه‌های خوردوخوراک از محل پس‌انداز والدین، خرید قسطی مایحتاج خوردوخوراک خانواده، بهره‌گیری از حمایت نهادهای حمایتی (بهبیستی - کمیته امداد) برای تأمین سبد غذایی و... اشاره کرد. این یافته را نتایج پژوهش لطفی خاچکی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان استراتژی‌های بقا در شرایط فقر، در میان افراد کم‌برخوردار شهر مشهد و پژوهش امندا و همکاران (۲۰۱۴)، تأیید نمودند. از دیگر یافته‌های پژوهش «توسل به قرض در رویارویی با مشکلات، پنداشت منفی از قرض و بدهی و عدم قرض از اقوام و ترجیح قرض از دوستان» به‌عنوان راهبردهای برآوردن نیازها و رفع مشکلات در بین جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه است. به نظر می‌رسد راهبرد استقراض از دوستان و آشنایان به‌واسطه محرومیت و فشارهای اقتصادی پیش رو بخش جدایی‌ناپذیر از زیست جوانان فرودست نمونه این پژوهش شده است. درواقع پناه بردن به راهبرد «قرض از دیگران»، «خرید نسبی» و «بازار خودمانی» به جوانان فرودست این امکان را می‌دهد تا در کنار تقلای روزمره در مواجهه با رنج‌های زندگی مشقت باری که تحمل می‌کنند؛ ابتدایی‌ترین نیازهایشان برای بقا را تأمین نمایند. هرچند که عده‌ای از این جوانان علیرغم اینکه در تنگنای فقر اقتصادی گرفتار بودند اما پنداشتی منفی از قرض در ذهن داشتند و حذف بعضی از نیازها را به گرفتن قرض ترجیح می‌دادند یا تحمل مشکلات و قرض از دوستان را به گرفتن قرض از دیگران مخصوصاً اعضای فامیل و آشنایان به خاطر معذوریت‌هایی (ازجمله: منت گذاشتن، مورد غیبت قرار گرفتن، به وجود آمدن کدورت و دلخوری و...) ترجیح می‌دادند و این امر نشان‌دهنده کاهش سرمایه اجتماعی در این منطقه دارد؛ علیرغم اینکه بافت اجتماعی خویشاوندی به‌هم‌پیوسته‌ای در این منطقه وجود دارد اما ترجیح بر این است که به راهبرد قرض و کمک از اقوام و خویشاوندان متوسل نشوند. این یافته را نتایج کتاب «زندگی روزمره تهیدستان شهری» (صادقی، ۱۳۹۷) و نتایج پژوهش‌های ادین ولین^۱ (۱۹۹۷)، کلارک^۲ (۲۰۰۲)، فراین (۲۰۰۴)، جانز (۲۰۱۴)، فلورز (۲۰۱۵)، سیدلوی و بوملا (۲۰۱۶)، تأیید نمودند. ازجمله نتایج دیگر این پژوهش مسئله «راهبردهای سیال معاش» جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه است. جوانان نمونه مورد مطالعه وضعیت زندگی بی‌ثباتی داشتند و برای گذران زندگی و به امید یافتن شغلی با شرایط و دستمزد بهتر مجبور بودند که شغل قبلی را رها و به مشاغل متعدد و موقتی با درآمدهای اندک و نامناسب روی بیاورند؛ همین امر باعث شده که به ازدواج و تشکیل خانواده (با توجه به هزینه‌های سرسام‌آور اجناس و کرایه مسکن و عدم پشتوانه اقتصادی خانواده و خویشاوندان) کمتر فکر کنند و حتی با توجه به شرایطی که دارند نتوانند برای آینده نامعلومی که در انتظارشان است، برنامه‌ریزی کنند. روایت‌های جوانان فرودست محلات محروم شهر کرمانشاه حکایت از نوعی سبک زندگی ناپایدار و «راهبردهای بقا به سبک سیال» در مواجهه با شرایط سخت زندگی پیش رو دارد. نتایج پژوهش «سیالیت معاش: فرودستان و تقلا برای بودن» صفری و عباس زاده (۱۴۰۱) و نتایج پژوهش‌های جاییو^۳ (۲۰۰۳) و کلاسن پاول (۲۰۱۳) این یافته را تأیید نمودند.

1 Edin & Lein

2 Clarke

3 Jaiyebo

پیشنهادهای پژوهش

- اصلاح سیاست‌های اقتصادی با محوریت مسئله بیکاری و ابعاد آن در کشور و مخصوصاً توجه به مناطق محروم در جهت توسعه و توانمندسازی این مناطق.
- ایجاد اشتغال پایدار در سطح استان کرمانشاه موردتوجه جدی مسئولین قرار گیرد.
- رسیدگی و توجه بیشتر به مناطق مرزی در برنامه‌های توسعه لحاظ شود زیرا عدم رسیدگی به این مناطق تبعات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. راه‌حل فقرزدایی توسعه همگون و طرح‌ریزی اقتصادی پویاست.
- با توجه به اینکه در زمینه راهبردهای معیشت و بقا پژوهش آن‌چنانی تاکنون صورت نپذیرفته است پیشنهاد می‌شود با هدایت و حمایت‌های دولتی پژوهش‌های دیگر در زمینه راهبردهای معیشت و بقا در میان جوانان فرودست محلات محروم استان‌های دیگر نیز انجام گیرد و نوع راهبردها و زمینه‌های اتخاذ آن‌ها موردبررسی و تطبیق قرار داده شود و نتایج به‌دست‌آمده در برنامه‌ریزی توسعه مناطق لحاظ گردد.
- ارزیابی توان‌های محیطی در راستای توانمندسازی استان کرمانشاه و به‌کارگیری نیروهای محلی در این راستا.
- ازجمله راهبردهای معیشت و بقا مهاجرت‌هایی است که توسط اقشار فقیر به محلات اسکان غیررسمی کرمانشاه صورت می‌گیرد. پیشنهاد می‌شود مسئولین امر به این مسئله توجه نمایند و در پی از بین بردن این مشکل برآیند.
- پیشنهاد می‌شود مسئله ازدواج جوانان به‌ویژه جوانان در استان‌های کمتر توسعه‌یافته به‌طورجدی از زاویه و دریچه عوامل اقتصادی و فقر نگریسته و برای آن تدابیری اتخاذ شود.

منابع

- احمدی، وکیل و حامد، بیتا (۱۳۹۹) مطالعه جامعه‌شناختی مشاغل غیررسمی در مناطق محروم شهر کرمانشاه، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره یازدهم، شماره ۲، ۱۶۷-۱۹۹
- آتال یوگش، اوین الس (۱۳۷۹). فقر و مشارکت در جامعهٔ مدنی. ترجمه: ایرج پاد. تهران: سروش (انتشارات صداوسیما).
- بهر ورزی، محمد (۱۳۸۴). بررسی توانایی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در پاسخ به نیاز بازار کار به‌منظور ارائه یک چارچوب ادراکی مناسب، رساله دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم و تحقیقات.
- بیات، آصف (۱۳۷۹). سیاست‌های خیابانی؛ جنبش تهی‌دستان در ایران. ترجمه: سید اسدالله نبوی چاشمی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- پروین، ستار؛ کلانتری، عبدالحسین؛ صفری، محمدرحیم (۱۳۹۳). تجربه روزمره کارگران میادین میوه و تره‌بار در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی) فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱: ۲۰۵-۱۷۳
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲: ۴۷-۳۷.
- جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه (۱۳۸۴). ارزیابی اجتماعی و اثربخشی برنامه بهسازی شهری شهر کرمانشاه، طرح پژوهشی جهاد دانشگاهی کرمانشاه.
- راچ، جک رال و راچ، جانث (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی فقر. ترجمه: احمد کریمی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفعلی زاده. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر؛ حیدری، امیرارسلان (۱۳۸۷). فقر و سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، ۷۹-۱۰۶.

- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۲۱-۱
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). زندگی روزمره تهیدستان شهری (۱۳۹۲-۱۳۹۰) تهران: نشر آگاه.
- صفری، سعید؛ آروین، بهاره و کریمی، کوثر (۱۳۹۸). آموزش عالی و اشتغال در دانشگاه پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۴-۱.
- صفری، کیهان؛ عباس زاده، محمد (۱۴۰۱). سیالیت معاش: فرودستان و تقلا برای بودن، دو فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره ۱، ۸۶-۶۹.
- صنعت خواه، علیرضا (۱۳۸۹). نیازسنجی بازار کار و رابطه آن با اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها؛ مورد شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ضرابی، وحید و سید فرخ، مصطفوی (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴، ۶۴-۳۳.
- ضرغامی، مصطفی (۱۳۸۰). مشکلات اشتغال بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، تنگناها، زمینه‌ها، راه‌حل‌ها. نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲.
- طالبان، محمدرضا و آذرنگ، ندا (۱۳۹۷). بررسی رابطه طرد اجتماعی ذهنی با مشارکت سیاسی جوانان نسل سوم انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه متین، سال ۲۰، شماره ۷۸، ۱۰۳-۸۱.
- عرب مازار، عباس و حسینی نژاد، مرتضی (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای مشاغل روستایی ایران. جستارهای اقتصادی، سال اول، شماره ۱، ۹۴-۶۷.
- قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶). سیر اندیشه اقتصادی. تهران: انتشارات دانشگاه.
- کتابی، امیرعلی و کتابی، معصومه (۱۳۹۸). رابطه فقر و بیکاری با آسیب‌های اجتماعی در ایران با تأکید بر عدالت‌طلبی در ایران، همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی، دوره ۳، ۱۸-۱.
- کریمی، جلیل و واعظ زاده، ساجده (۱۳۹۹). زندگی در چارک چهارم؛ مطالعه سبک زندگی محلات محروم شهر کرمانشاه، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۳، شماره ۸۳، ۵۱-۴.
- لطفی خاچکی و همکاران (۱۴۰۰). استراتژی‌های بقا در شرایط فقر، در میان افراد کم‌برخوردار شهر مشهد، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی و سوم، شماره پیاپی ۸۵، شماره اول، ۱۵۸-۱۳۳.
- نیومن، ولی‌ام لاورنس (۱۳۸۹). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه: حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی. تهران: انتشارات کتاب مهربان، جلد دوم.
- وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظ‌الله)، (۱۳۸۲) به آدرس farsi.khamenei.ir
- وبسایت مرکز آمار ایران به آدرس <https://www.amar.org.ir>
- تسنیم نیوز (۱۴۰۱)؛ کد خبر: ۲۷۸۶۳۴۲ تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۷/۱۹ به آدرس <https://www.Tasnimnews.com>
- یازاکو (۱۴۰۱)؛ کد خبر: ۶۱۸۵۷ تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۲/۲۱ به آدرس <https://www.Yazeco.ir>
- همشهری آنلاین-وبگاه روزنامه همشهری (۱۳۹۸)؛ کد خبر: ۴۵۲۲۱۶ تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۵/۳۰ به آدرس <https://www.hamshahri.online>
- Asef Bayat, Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East (Stanford University Press, 2010).
- Amendah, D. D. Buigut, S. & Mohamed, S. (2014). Coping strategies among urban poor evidence from nairobi, Kenya. PloS one, 9(1), e83428.
- Clarke, S. (2002). 10 sources of subsistence and the survival strategies of urban Russian households, Work, Employment and Transition: Restructuring livelihoods in Post Communism, 15- 193

- Edin, K. & Lein, L. (1997). *Making ends meet: how single mothers survive welfare and low-wage work*,. Russell Sage Foundation.
- Florez, A. F. (2015). *Development programs and livelihood strategies of residents in altos de la florida, colombia* master of science, department of geography, Northern Illinois University).
- Frayne B. (2004). Migration and urban survival strategies in Windhoek, Namibia. *Journal of Geoforum*.35(4), 505_489.
- Jaiyebo, O. (2003). Women and household sustenance: changing livelihoods and survival strategies in the peri-urban areas of ibadan. *Environment and Urbanization*, 15(1), 111-120.
- Jahns, E. (2014). *Savings groups, shocks and coping strategies: the case of poor rural households in el salvador* (Doctoral Dissertation, Fletcher School of Law and Diplomacy (Tufts University).
- Klasen, S. & Povel, F. (2013). Defining and measuring vulnerability: state of the art and new proposals. in *Vulnerability to Poverty* (pp. 17- 49). Palgrave Macmillan, London.
- O'Reilly, C. & Gordon, A. (1995). *Survival strategies of poor women in urban africa: the case of zambia* (Vol. 10). Natural Resources Institute.
- Sinethembas S. Sidlovi Nolunkcwe j.Bomela (2016). Survival strategies of elderly women in Ngangelizwe Township, Mthatha, South Africa: Livelihoods, social networks and income. *Archives of Gerontology and Geriatrics*.62, 43-52.

